

۱۶ آذر روز دانشجو را به روز خیزش سراسری برای آزادی دانشجویان زندانی

و کلیه زندانیان سیاسی تبدیل کنیم!

امسال در شرایطی در آستانه شانزدهم آذر روز دانشجو قرار گرفته ایم که جامعه ایران در یک موقعیت انقلابی قرار گرفته و جنبش دانشجویی یکی از ستون های نیرومند جنبش انقلابی جاری بوده است. از صبح روز شنبه ۲۶ شهریور که پیکر بی جان ژینا امینی تحت شرایط شدید امنیتی در میان خشم و اعتراض مردم مبارز سقز به خاک سپرده شد، موجی از جنب و جوش انقلابی دانشگاه های ایران را فرا گرفت. در ۲۸ شهریور در حالی که کردستان انقلابی علیه قتل دولتی ژینا امینی اعتصاب عمومی را با اعتراض های خیابانی در هم آمیخته بود، دانشجویان در ابعادی کم سابقه در بسیاری از دانشگاه های ایران با شعار "از کردستان تا تهران ستم علیه زنان"، "از کردستان تا تهران، خونین تمام ایران"، "زن زندگی آزادی"، "مرگ بر دیکتاتور"، "این آخرین پیام است، هدف کل نظام است"، "مرگ بر ستمگر چه شاه باشد چه رهبر"، "کارگر نفت ما رهبر سر سخت ما"، "ما همه مهسا هستیم بجنگ تا بجنگیم" محیط دانشگاه را به میدان اعتصاب و برپائی تجمع های اعتراضی علیه کلیت رژیم جمهوری اسلامی تبدیل کردند.

این جنبش انقلابی با شعار "زن، زندگی، آزادی"، "نه روسری، نه توسری، آزادی، برابری"، "مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای" و با اقدامات نمادینی مانند پرتاب کردن روسری ها بر کف خیابان و سوزاندن آنها و با برافراشتن بیرق آزادی و برابری زن و مرد و لغو عملی سیاست تفکیک جنسیتی در محیط دانشگاه ها یکی از پایه های قدرت سیاسی و ایدئولوژیک حکومت اسلامی را ویران کرد. اگر خیزش های دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ پرونده اصلاح طلبان حکومتی و استراتژی گذار مسالمت آمیز را بستند، جنبش انقلابی جاری می رود تا پرونده حکومت دینی و آن بخش از اپوزیسیون مذهبی که بعد از پایان کار استبداد دینی سودای حکومت مذهبی بورژوازی دیگری تحت نام "جمهوری دموکراتیک اسلامی" را در سر می پروارند را نیز بایگانی کند. سوزاندن روسری و پرهیز از هرگونه مراسم سوگواری با آیین ها و نمادهای



بیانیه کمیته مرکزی
حزب کمونیست ایران
به مناسبت روز دانشجو

پلنوم سوم



برگزاری پلنوم سوم

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

جنبش انقلابی جاری

و وظایف کمونیست ها

اعتصاب عمومی کارگری و زمینه های ضروری!



فراخوان شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

به مردم آزادیخواه ایران

کردستان از سنگرهای انقلاب است،

یکپارچه از سنگرهایمان دفاع کنیم!

اطلاعیه کمیته مرکزی کومه له

در رابطه با اعتصاب سراسری

به مناسبت سالگرد کشتار خیزش آبان ۹۸



بیانیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران به مناسبت ۱۶ آذر روز دانشجو (۱۴۰۱)

امسال در شرایطی به شانزدهم آذر روز دانشجو نزدیک می شویم که جامعه ایران در یک موقعیت انقلابی قرار گرفته و جنبش دانشجویی یک پای نیرومند جنبش انقلابی جاری بوده است. در ۲۸ شهریور در حالی که کردستان انقلابی علیه قتل دولتی ژینا امینی اعتصاب عمومی را با اعتراض های خیابانی در هم آمیخته بود، دانشجویان در ابعادی کم سابقه در بسیاری از دانشگاه های ایران با شعار "از کردستان تا تهران ستم علیه زنان"، "از کردستان تا تهران، خونین تمام ایران"، "زن زندگی آزادی"، "مرگ بر دیکتاتور"، "این آخرین پیام است، هدف کل نظام است"، "مرگ بر ستمگر چه شاه باشد چه رهبر"، "کارگر نفت ما رهبر سر سخت ما"، "ما همه مهسا هستیم بجنگ تا بجنگیم" محیط دانشگاه را به میدان اعتصاب و برپائی تجمع های اعتراضی علیه کلیت رژیم جمهوری اسلامی تبدیل کردند.

اما این تحول رادیکال در جنبش دانشجویی و نقش پیشتاز زنان در آن یک شبه اتفاق نیفتاده است. جنبش دانشجویی یک تاریخ پر از فراز و نشیب مبارزه انقلابی را پشت سر دارد. در ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ زمانی که کودتا آخرین سنگرهای مقاومت را در هم می کوبید، دانشجویان علیه دولت کودتا به مبارزه برخاستند و قربانی دادند. در دهه های ۴۰ و ۵۰ جنبش دانشجویی به بستر شکل گیری جریان های چپ که اساسا در مرزبندی با جریان بورژوا فرمیستی حزب توده ابراز وجود کردند تبدیل شد. بعد از قیام سال ۵۷ و در کشاکش بین انقلاب و ضد انقلاب، دانشجویان دانشگاه را به میدان نبرد با ضد انقلاب اسلامی تبدیل کردند. زمانی که ضد انقلاب اسلامی زیر سایه "انقلاب فرهنگی" و با تصفیه های خونین سنگر مقاومت دانشگاه را تسخیر کرد، اینبار دانشجویان مبارز در زیر پوست اختناق پلیسی خود را برای نبردهای بعدی آماده کردند. از تیر ماه ۱۳۷۸ که اعتراضات دانشجویی به توقیف روزنامه "سلام" آغاز شد، همدستی اصلاح طلبان حکومتی با سپاه پاسداران و بیت رهبری در یورش به دانشجویان زمینه ساز گسست بخش هایی از بدنه جنبش دانشجویی از اصلاح طلبان حکومتی و سازمان تحکیم وحدت شد. در آن مقطع بخش چپ جنبش دانشجویی به سرعت مطالبات سیاسی و رادیکال را سرلوحه مبارزات خود قرار داد و این تحول به بستر تقویت گرایش چپ و سوسیالیستی در میان دانشجویان بعد از "انقلاب فرهنگی" تبدیل شد.

در اوایل دهه هشتاد همراه با رشد جنبش کارگری طیف نسبتا گسترده دانشجویان چپ رادیکال متشکل از گرایش های متنوع سیاسی فعالیت های خود را عمدتا در نشریات مختلف دانشجویی در همراهی با جنبش های کارگری و زنان و از جمله برگزاری و شرکت در مراسم اول ماه مه و هشت مارس متمرکز کردند. اما این جنبش نوپا به دلیل کم تجربگی، ناسنجیدگی و پاره ای اشتباهات، زود هنگام و قبل از آنکه از یک پایه توده ای در بدنه جنبش دانشجویی برخوردار گردد سرکوب شد. جنبش دانشجویی ایران بعد از سرکوب گرایش چپ و سوسیالیستی در اواسط دهه هشتاد، عمدتا به مطالبات صنفی معطوف شد. معطوف شدن جنبش دانشجویی به خواسته های صنفی در شرایطی بود که ضرورت مقابله با خصوصی سازی و کلاسی کردن آموزش عالی، در هم شکستن فضای امنیتی حاکم بر دانشگاه ها، مقابله با سیاست تفکیک جنسیتی، به عقب راندن سیاست اسلامی کردن دانشگاه ها، همه و همه در گرو آن بود که جنبش دانشجویی از مبارزه صنفی فراتر رفته و طرح خواسته های سیاسی و دمکراتیک را به پرچم مبارزات خود تبدیل نماید.

دانشجویان در خیزش سراسری دیماه ۹۶ نیز که تحول بزرگی در آگاهی

دینی، مجاهدین خلق را همانند کپی دیگری از اسلام سیاسی بشدت رسوا ساخت و آن را با بحران روسری روبرو کرد. همچنین طنین انداز شدن شعار "مرگ بر ستمگر، چه شاه باشد، چه رهبر" در خیابان ها و دانشگاهها مختلف ایران اپوزیسیون سلطنت طلب در خارج از کشور را به بحران و سردرگمی استراتژیک روبرو کرده است.

این خیزش انقلابی فراتر از این کامیابی های سیاسی در عرصه تاکتیکی هم دستاوردهای با ارزشی را رقم زده است. تاکتیک تلفیق اعتراض های خیابانی با اعتصاب عمومی در سطح شهر، برپائی اعتراض های خیابانی محله محور همزمان در چندین نقطه و محله از شهر و ایجاد راهبندان برای محدود کردن قدرت مانور نیروهای سرکوبگر، به دام انداختن و فراری دادن نیروهای سرکوبگر، در برابر تعرض نیروهای سرکوبگر تعرض متقابل به پایگاهها و مراکز نظامی رژیم، تسخیر و آزادسازی چند منطقه از شهر برای چند ساعت، تبدیل کردن دانشگاهها و مدارس به مرکز اعتراض و اعتصاب که هزینه سیاسی سرکوب در این مکانها برای رژیم سنگین تر است و در آخرین مورد برگزاری مراسم چهلمین روز جانباختگان این خیزش در شهرهای مختلف به عنوان تاکتیکی مؤثر برای توده ای تر کردن این جنبش انقلابی، از جمله تاکتیک هایی بوده اند که در این دوره از جانب فعالین و سازماندهندگان اعتراض ها اتخاذ شده اند. سازماندهندگان این اعتراض ها با به کار گرفتن این تاکتیک های متنوع سران رژیم و نیروهای سرکوبگر آن را سردرگم کرده اند.

اما این دستاوردها به قیمت ایستادگی، شجاعت ها و جانفشانی و فداکاری زنان و مردان آزادیخواه در کف خیابان، دانشگاه و مدرسه به دست آمده اند. در بیش از دو ماه و نیم گذشته و در جریان این اعتراض ها و نبردهای خیابانی تاکنون خون بیش از ۵۰۰ تن از انسانهای مبارز بر کف خیابان و یا بر کف شکنجه گاههای دژخیمان حکومت اسلامی ریخته شده و جان باخته اند، حدود ۱۰۰ تن از این جانباختگان کودک بوده اند، هزاران نفر زخمی و بیش از ۱۵ هزار نفر دستگیر و یا ربوده شده اند. در این مدت ده ها دانشجو جانشان را از دست داده اند و هزاران دانشجو توسط نیروهای اطلاعاتی و امنیتی دستگیر و یا ربوده شده اند.

اعتصابات و برپائی تجمع های اعتراضی پی در پی دانشجویان در دانشگاهها و اعتراض های ادامه دار زنان و مردان آزاده در کف خیابان ها و این شجاعت ها و مبارزه جویی به افکار عمومی نه تنها در سطح ایران، بلکه در سطح نیز جهان نشان داد که بهتان های بی شرمانه خامنه ای و دیگر سران رژیم و "اغتشاشگر" خواندن معترضان و نسبت دادن رزم انقلابی آنان به قدرتهای خارجی، دروغی آشکار و بهانه ای نخ نما برای تداوم جنایات و تبهکاری حکومت اسلامی بیش نیست.

کارگران، دانشجویان، زنان و مردان آزادیخواه! ۱۶ آذر روز دانشجو را به روز خیزش سراسری برای آزادی دانشجویان زندانی و کلیه زندانیان سیاسی تبدیل کنیم.

در شرایطی که از یکسو بخش بزرگی از فعالین، بدنه و پایگاه جنبش دانشجویی را دختران و زنان تشکیل می دهند طبیعتاً مسایل جنبش زنان که نقش پیشتازی در جنبش انقلابی جاری ایفا کرده اند از اهمیت بسیار بالایی برای جنبش دانشجویی برخوردار می باشد. از اینرو لازم است که گرایش چپ جنبش دانشجویی بخشی از نیروی خود را به شکل تخصصی و سیستماتیک به مسایل جنبش زنان اختصاص دهد و به امر تقویت گرایش رادیکال و سوسیالیستی در جنبش زنان یاری رساند. نظر به بافت دانشجویان، دختران دانشجوی می توانند نقش مؤثری در بسیج و به میدان آوردن زنان کارگر و زحمتکش در مناطق فقیر نشین و حاشیه شهرها داشته باشند. به میدان آمدن زنان کارگر و زحمتکش در ابعاد توده ای یکی از راههای تداوم و توده ای تر کردن هر چه بیشتر جنبش انقلابی جاری است.

از آنجا که فعالین و کل بدنه جنبش دانشجویی را دانشجویان منتسب به ملیت های مختلف تشکیل می دهند، از اینرو تلاش برای جلوگیری از هرگونه تفرقه در صفوف دانشجویان بر اساس هویت ملی یکی از وظایف بخش چپ و سوسیالیست جنبش دانشجویی است. به ویژه در شرایط کنونی هرگونه تفرقه در جنبش دانشجویی بر اساس هویت ملی شدت به زیان جنبش انقلابی جاری است. در این راستا نقد ناسیونالیسم و شوونیسم ایرانی و ناسیونالیسم در میان ملیتهای تحت ستم از اهمیت بالایی برخوردار می باشند و در مقابل باید به طرح و تبلیغ پیگیرانه آلترناتیو انسانی و سوسیالیستی برای رفع ستم ملی پرداخت.

جنبش دانشجویی به دلیل بافت خود به شکلی طبیعی توانایی آن را داراست بمثابه متحد سازمان یافته تر جنبش اعتراضی جوانان که علیه فشارهای خرد کننده اقتصادی، بی حقوقی های فردی و اجتماعی و تزییقات فرهنگی و سیاسی، کف خیابان را به میدان اعتراض علیه رژیم اسلامی تبدیل کرده اند، عمل کند. در همین راستا لازم است فعالین چپ جنبش دانشجویی رابطه فعالی با شبکه جوانان انقلابی که سازماندهی و هدایت اعتراض ها در محله های شهرهای مختلف ایران را بر عهده دارند برقرار کنند. برقراری این پیوندهای زنده و هماهنگ کردن اعتراض ها از ملزومات پیشروی جنبش انقلابی جاری و مقابله با سرکوبگری های رژیم اسلامی است.

بخش سوسیالیست جنبش دانشجویی در کنار وظایف راهبردی فوق لازم است تبلیغ جهان بینی کمونیستی و دفاع از اعتبار علمی آن و دخالتگری در فعالیتهای و جدالهای نظری که مکانیسمی مؤثر جهت جلب سمپاتی توده دانشجویان و تربیت کادرهای چپ محسوب می گردد را امر تعطیل ناپذیر خود بداند. در شرایط کنونی دفاع از سوسیالیسم و تلاش برای نیرومند کردن گفتمان سوسیالیستی در برابر گفتمان لیبرالیسم بورژوازی می تواند بزرگترین خدمت فعالین چپ جنبش دانشجویی در کنار زدن یکی از موانع ذهنی پیشروی جنبش کارگری باشد. از سوی دیگر در حالی که بخش های مختلف اپوزیسیون بورژوازی از جمهوری خواهان لائیک و سکولار گرفته تا جریان های سوسیال دمکرات و رفرمیست و نیروهای مرکز همکاری در کردستان، تا شورای مدیریت گذار با هدف دست به دست شدن قدرت سیاسی از بالای سر توده ها تحت عنوان مرزبندی با خشونت علیه انقلاب بذر تردید و ناباوری می کارند، نقد رادیکال و ریشه ای سازشکاریها، راه کارها و آلترناتیو سازی این بخش از اپوزیسیون، بخشی از وظایف سوسیالیست های جنبش دانشجویی است.

بخش چپ و رادیکال جنبش دانشجویی در شرایطی که جامعه

توده ها ایجاد کرد فعالانه شرکت کردند. شعار "اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا" را بخش رادیکال جنبش دانشجویی به میان خیزش توده ها برد. خیزش دی ماه با این شعار و با این سطح از آگاهی، پایان سلطه گفتمان اصلاح طلبان حکومتی بر فضای سیاسی جامعه را اعلام کرد. این به معنای عبور از پندارها، گفتمان ها و راهکارهایی بود که اصلاح طلبان حکومتی در پیش روی جنبش های اجتماعی قرار می دادند. اما جامعه در دیمه توقف نکرد و این بار در آبان ۹۸ با روحیه تعرضی تری به میدان آمد. دانشجویان در آن هفت روزی که خیزش توده ها ایران را لرزاند با تهیدستان شهری همراه بودند، در کنار آنان خونشان بر سنگفرش خیابان ریخته شد، و همراه آنان به بند کشیده شدند. دانشجویان در برابر سرکوب خونین قیام آبان مرعوب نشدند. زمانی که خامنه ای جلاد در پنجمین روز خیزش سراسری آبان ۹۸ در جنگ با تهیدستان شهری که نه سنگری داشتند و نه سلاحی در دست، اعلام کرد: «دوستان و هم دشمنان بدانند ما در عرصه جنگ نظامی و سیاسی و امنیتی دشمن را عقب زدیم». دانشجویان در روز ۱۶ آذر با بانگی رسا به این گستاخی خامنه ای پاسخ دادند و اعلام کردند که از خون جانباختگان خیزش آبان نمی گذرند و راهشان را ادامه خواهند داد. بدین گونه دانشجویان نشان دادند که در نبرد تهیدستان شهری با ذرخیمان سرمایه، در جنگ بین فقر و ثروت، در تخاصم بین استبداد و آزادی، در تخاصم بین تبعیض جنسیتی و رهائی زن در کجا ایستاده اند.

در دو، سه سال اخیر به رغم تأثیرات بحران کرونا بر روند جنبش های اعتراضی و تعطیلی دانشگاهها، با رشد و گسترش اعتصابات کارگری در هفت تپه، فولاد اهواز و صنایع نفت و پتروشیمی بخش پیشرو و رادیکال جنبش دانشجویی با برپائی آکسیون های حمایتی بر استراتژی اتحاد با جنبش کارگری و فرودستان جامعه تأکید کردند. فریاد شعارهای "فرزند کارگرانیم، در کنارشان میمانیم"، "نان- کار- آزادی، اداره شورایی"، "دانشجو، کارگر، معلم، اتحاد اتحاد"، "دانشجو آگاه است با

کارگر همراه است" در دانشگاهها به روشنی جهت گیری طبقاتی گرایش سوسیالیستی جنبش دانشجویی در این دوره را بازتاب می دهد.

بنابراین اگر جنبش دانشجویی اکنون بیش از دو ماه و نیم است که به رغم سرکوب خونین، دستگیری های گسترده، اخراج و امنیتی کردن فضای دانشگاهها همچنان در ابعاد گسترده در برابر سرکوبگری های رژیم جنایتکار اسلامی ایستادگی می کند و به یکی از سنگرهای پیشروی جنبش انقلابی ایران تبدیل شده است، چنین تاریخ پرافتخاری را پشت سر دارد.

در موقعیت انقلابی کنونی، جنبش دانشجویی به عنوان یکی از ستون های جنبش انقلابی جاری، باید مطالبات دموکراتیک مطرح در جنبش انقلابی جاری را به پیگیرترین و رادیکال ترین شکل نمایندگی کند و مورد حمایت قرار دهد. بخش چپ و رادیکال جنبش دانشجویی در مقابل جریان های اپوزیسیون راست که می خواهند این جنبش را به انحراف بکشاند، فقط با طرح این مطالبات دموکراتیک از زاویه منافع طبقه کارگر و جنبش رهائی زن و دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی است که می تواند این رسالت را به انجام برساند و با جنبش های رادیکال اجتماعی پیوندهای عمیق تری برقرار کند.

پلنوم سوم

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران برگزار شد! جنبش انقلابی جاری و وظایف کمونیست ها

آبان ۱۴۰۱ - نوامبر ۲۰۲۲



آبان ۹۸ است، که به دلیل سرکوب سیستماتیک و به دلیل بحران کرونا برآمد آن با وقفه ای نسبتاً طولانی روبرو شده بود. اما روشن است که این خیزش انقلابی تکرار و تداوم خطی خیزش دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ نیست. چون خیزش های قبلی زمین را برای خیزش بعدی شخم زده و تقویت کردند و تحولات عظیمی در آگاهی و ذهنیت کارگران و توده های مردم و به ویژه زنان تحت ستم ایجاد کردند. خیزش دی ماه ۹۶ به بیش از دو دهه سلطه گفتمان اصلاح طلبان حکومتی پایان داد و به این اعتبار فصل تازه ای در شرایط مبارزه سیاسی و طبقاتی و مبارزه برای سرنوشتی رژیم اسلامی را ورق زد. خیزش آبان با یورش به نمادهای حاکمیت رژیم اسلامی و با استقامت و پایداری جانانه ای که در برابر سرکوب سبانه و خونین حکومت اسلامی از خود نشان داد، به استراتژی گذار مسالمت آمیز اپوزیسیون بورژوازی از رژیم اسلامی ضربه کاری وارد آورد و گفتمان گذار انقلابی از رژیم جمهوری اسلامی را تقویت کرد. این دو خیزش مانند دو موج جوشان مبارزه سیاسی به محرکهای نیرومندی برای مبارزه اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر تبدیل شدند و میل درونی کارگران را برای مبارزه شدت بخشیدند. فقط در سال گذشته جنبش کارگری ایران حدود چهار هزار اعتصاب و اعتراض بزرگ و کوچک را تجربه کرده است. خیزش انقلابی جاری که با نام رمز ژینا رقم خورد به همه این دستاوردها و داده های عینی متکی بود، از این رو با شکوهی چند برابر عظیم تر از خیزش های قبلی پا به میدان گذاشت. این خیزش انقلابی در همان روزهای اول جنبش رهائی زنان، جنبش انقلابی کردستان و جنبش دانشجویی را به هم پیوند زد و چنان صاعقه آسا گسترش یافت که سران رژیم و نیروهای سرکوبگر آن و حتی قدرتهای سرمایه داری جهانی را غافلگیر کرد.

این جنبش انقلابی با شعار "زن، زندگی، آزادی"، "نه روسری، نه توسری، آزادی، برابری"، "مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای" و با اقدامات نمادینی مانند پرتاب کردن روسری ها بر کف خیابان و سوزاندن آنها یکی از پایه های قدرت سیاسی و ایدئولوژیک حکومت اسلامی را ویران کرد. این خیزش از آنجا که

پلنوم سوم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران منتخب کنگره سیزدهم در روزهای شنبه و یکشنبه ۲۱ و ۲۲ آبان ۱۴۰۱ برابر با ۱۲ و ۱۳ ماه نوامبر ۲۰۲۲ برگزار شد. پلنوم با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت برای گرامیداشت یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم و کلیه جانباختگان جنبش انقلابی جاری کار خود را آغاز و بعد از دو روز جلسات فشرده به کار خود پایان داد. در این پلنوم اعضای کمیته مرکزی کومه له منتخب کنگره هیجدهم و کمیته تشکیلات خارج حزب نیز به عنوان ناظر شرکت داشتند. گزارش سیاسی کمیته اجرایی، گزارش فعالیت کمیته ها و ارگانهای مختلف تشکیلاتی، رسیدگی به قرارها و آرایش و تقسیم کار درون کمیته مرکزی حزب از دستور جلسات این پلنوم بودند. گزارش سیاسی کمیته اجرایی که تحت عنوان جنبش انقلابی ژینا و وظایف کمونیست ها تهیه شده و به صورت مکتوب در اختیار اعضای کمیته مرکزی قرار گرفته بود محورهای زیر را در برمی گرفت.

ما در کنگره سیزدهم حزب کمونیست ایران اعلام کردیم که جامعه ایران آستان انقلاب است. بر این واقعیت تأکید کردیم که بحران ساختاری سرمایه داری ایران درآمخته با رانت خواری و فساد نهادینه شده در سراسر ارکان حکومت اسلامی و تأثیرات ویرانگر آن بر کار و زندگی و معیشت کارگران و زحمتکشان ایران از یک سو، و روند رو به گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگری و جنبش های اعتراضی در سالهای اخیر از سوی دیگر زمینه های عینی و پیش شرط های اقتصادی و اجتماعی و فضای ذهنی برای یک موقعیت انقلابی را فراهم آورده است. در واقع خیزش انقلابی جاری که با قتل دولتی ژینا جرقه آن زده شد و موقعیت انقلابی ای که جامعه ایران در آن قرار گرفته است بر بستر این شرایط عینی شکل گرفت. جنبش انقلابی ژینا فوران آتش فشان خشم و اعتراض توده هایی بود که زیر فشار گرانی سرسام آور، فقر و بیکاری، خشونت و تبعیض های جنسیتی و محرومیت و بی حقوقی های سیاسی و اجتماعی به تنگ آمده بودند. این خیزش انقلابی ادامه خیزش دی ماه ۹۶ و

وارد یک موقعیت انقلابی شده است برای پیشبرد این جهت گیری ها و پاسخ به چه باید کردها و برای تداوم بخشیدن به فعالیت های خود قبل از هر چیز لازم است صفوف خود را متشکل و منسجم کند. در همانحال بر سوسیالیست های جنبش دانشجویی لازم است که در ارتباط با حلقه ها و شبکه رهبران و فعالین جنبش دانشجویی در دانشگاههای مختلف کشور ملزومات ایجاد شورای هماهنگی نهادها و تشکل های مختلف دانشجویی و رهبری سراسری این جنبش را فراهم آورند. از آنجا که رهبری محلی پاسخگوی نیازهای جنبش سراسری دانشجویان در این موقعیت انقلابی نیست، ایجاد چنین نهادی کمک می کند که جنبش دانشجویی یکپارچه تر و هماهنگ تر علیه جمهوری اسلامی و سرکوبگری های آن به میدان بیاید.

پیشبرد این جهت گیری ها و وظایفی که به آنها اشاره شد و به ثمر رساندن آنها بدون تحزب کمونیستی که بمثابة مفصل اتصال و مرکز هماهنگی تمام وجوه فعالیت های فوق در این دوره انقلابی عمل کند، کاری بس دشوار است. حزب کمونیست ایران می کوشد ظرف پیشبرد چنین وظایفی در راستای تقویت جنبش انقلابی جاری و تقویت جنبشهای اجتماعی پیشرو در اتحاد با جنبش کارگری باشد. جنبش کارگری و دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی را در جدالهای سخت و دشوار آتی در عرصه سیاسی و در جدال بر سر کسب قدرت سیاسی نمایندگی نماید و ظرفیت ها و توانایی های به ثمر رساندن چنین وظایفی را در خود ایجاد نماید. حزب کمونیست ایران برای پیشبرد این اهداف و جهت گیری ها در این شرایط انقلابی کمونیست های جنبش دانشجویی را به پیوستن به صفوف خود و برای مشارکت در تعیین سرنوشت حزب فرا می خواند.

گرامی باد ۱۶ آذر روز دانشجوی

گرامی باد یاد

جانباختگان جنبش دانشجویی

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

آذر ۱۴۰۱

دسامبر ۲۰۲۲



➔ نیرومندترین پایگاه اسلام سیاسی با قوانین سخت دینی در خاورمیانه و شمال آفریقا را مورد تعرض ایدئولوژیک قرار داده است، جنبش رهائی زن در منطقه را وارد فاز نوینی خواهد کرد. اگر خیزش های دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ پرونده اصلاح طلبان حکومتی و استراتژی گذار مسالمت آمیز را بستند، جنبش انقلابی جاری پرونده حکومت دینی و آن بخش از اپوزیسیون مذهبی که بعد از پایان کار استبداد دینی سودای حکومت مذهبی بورژوازی دیگری زیر نام "جمهوری دموکراتیک اسلامی" را در سر می پروراند را نیز بایگانی کرد. سوزاندن روسری و پرهیز از هرگونه مراسم سوگواری با آیین ها و نمادهای دینی، مجاهدین خلق را همانند کپی دیگری از اسلام سیاسی بشدت رسوا ساخت. همچنین شعار "مرگ بر ستمگر، چه شاه باشد، چه رهبر"، که در خیابان ها و دانشگاهها طنین انداز شد نشان داد که اپوزیسیون سلطنت طلب هیچ جایگاهی در میان زنان ستمدیده، کارگران و زحمتکشان و تهیدستان جامعه ندارد. این خیزش انقلابی به لحاظ بازتاب جهانی آن و جلب حمایت و همبستگی افکار ترقی خواه و پیشرو در سراسر جهان نیز جایگاه منحصر به فردی در تاریخ جنبش آزادیخواهان مردم ایران دارد.

این خیزش انقلابی فراتر از این کامیابی های سیاسی در عرصه تاکتیکی هم تکامل یافته تر از خیزش های قبلی است. تاکتیک تلفیق اعتراض های خیابانی با اعتصاب عمومی در سطح شهر، برپائی اعتراض های خیابانی محله محور همزمان در چندین نقطه و محله از شهر و ایجاد راهبندان برای محدود کردن قدرت مانور نیروهای سرکوبگر، به دام انداختن و فراری دادن نیروهای سرکوبگر، در برابر تعرض نیروهای سرکوبگر تعرض متقابل به پایگاهها و مراکز نظامی رژیم، تسخیر و آزادسازی چند منطقه از شهر برای چند ساعت، تبدیل کردن دانشگاهها و مدارس به مرکز اعتراض و اعتصاب که هزینه سیاسی سرکوب در این مکانها برای رژیم سنگین تر است و در آخرین مورد برگزاری مراسم چهلمین روز جانباختگان این خیزش در شهرهای مختلف به عنوان تاکتیکی مؤثر برای توده ای تر کردن این جنبش انقلابی، از جمله تاکتیک هایی بوده اند که در این دوره از جانب فعالین و سازماندهندگان اعتراض ها اتخاذ شده اند. سازماندهندگان این اعتراض ها با به کار گرفتن این تاکتیک های متنوع سران رژیم و نیروهای سرکوبگر آن را سردرگم کرده اند.

این جنبش انقلابی بر خلاف تصور سران

نیروهای اپوزیسیون بورژوازی که آن را اساسا یک جنبش خودجوش و خودبخودی معرفی می کنند، حداقل در سطح محلی از درجه نسبتا بالایی از عنصر سازماندهی برخوردار است. در طی دو ماه گذشته ما شاهد حضور نسلی از رهبران و فعالین و سازماندهندگان اعتراض های جاری هستیم که با اینکه جوان هستند، اما دو خیزش عظیم انقلابی طی پنج سال گذشته، خیزش های توده ای مردم خوزستان و اصفهان علیه کم آبی، اعتراض های توده ای علیه فقر و گرانی و تأثیرات اعتصابات باشکوه کارگران هفت تپه و به ویژه کارگران پیمانی نفت و گاز و پتروشیمی در سال ۱۴۰۰ و تداوم اعتصابها و اعتراض های دوره ای - سراسری معلمان بر فضای سیاسی جامعه را تجربه کرده اند. اینکه این خیزش انقلابی به رغم سرکوب خونین و بگیر و ببند گسترده تداوم داشته و وارد فاز نوینی شده است بخشا محصول نقش این رهبران بوده است. زنان و مردان جوان انقلابی در محلات شهرها در یک شبکه مبارزاتی به هم مرتبط شده اند و ارتباط زنده و ارگانیک با محیط فعالیت خود دارند. نهادها و تشکل های مختلف دانشجویی در دل همین اعتراض ها ایجاد شده اند. در برخی از مدارس تشکل های دانش آموزان شکل گرفته اند. تداوم دو ماه اعتراض های خیابانی هر روزه در محلات مختلف ده ها شهر ایران و مقابله با تهاجم نیروهای سرکوبگر، دو ماه اعتصاب توأم با تجمع های اعتراضی در ده ها دانشگاه و مدرسه، اعتصابات سراسری متناوب معلمان و ... همه بیانگر سطح بالایی از عنصر رهبری و سازماندهی است. اما این رهبران محلی از آنجا که از دل همین خیزش انقلابی بیرون آمده اند استراتژی سیاسی روشن و برنامه معینی برای هدایت کل جنبش و اداره جامعه در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی ندارند. این رهبران محلی و سازماندهندگان اعتراض های خیابانی هم زیر فشار سرکوب و بگیر و ببند، قطع مدام اینترنت، فیلترینگ شبکه های اجتماعی نتوانسته اند به هم مرتبط شوند. از این رو این خیزش انقلابی با اینکه سراسری است، اما هنوز از فقدان یک رهبری سراسری با افق انقلابی و سوسیالیستی رنج می برد. خلائی که وظایف ویژه ای را در دستور کار فعالین کمونیست و احزاب و سازمانهای جنبش کمونیستی ایران قرار می دهد.

خطراتی که این خیزش انقلابی را تهدید می کند!

سرکوب خونین و گسترده تر از آنچه از آن چیزی که تاکنون انجام گرفته است همچنان یکی از خطراتی است که این جنبش انقلابی را تهدید می کند. اگر چه بازتاب جهانی تحولات ایران هزینه سیاسی سرکوب گسترده را برای رژیم اسلامی بسیار بالا برده است، از طرف دیگر با توجه به اینکه سرکوب گسترده اصلی ترین گزینه رژیم برای مقابله با سیر رو به گسترش این جنبش است، از اینرو این آخرین گزینه و حربه را محتاط تر به کار می گیرد، با این وصف سرکوب گسترده یک خطر جدی برای این جنبش است. خطر احتمالی دیگر سازش سپاه پاسداران با آمریکا و قدرتهای غربی است. با روند پیشروی این خیزش انقلابی سپاه پاسداران که بیش از شصت در صد اقتصاد کشور را در دستان خود قبضه کرده و اهرم های اصلی قدرت مانند نیروهای مسلح، دستگاه اطلاعات، دیپلماسی میدانی و صدا و سیما و ... را در اختیار دارد و به



سازمان یافته تا دندان مسلحی است که در کشتار مردم تردیدی به خود راه نمی دهد، جنگ و گریزهای خیابانی با همه اهمیتی که دارند، اما به تنهایی قادر نیستند، این رژیم را به زانو درآورند. آنچه که می تواند کمر رژیم اسلامی را بشکند، اعتصابات سیاسی عمومی و پی در پی و سرتاسری است. اما اعتصاب شکل مشخص و جافتاده و سنتی جنبش کارگری است. کارگران پیشرو و معلمان مبارز می توانند این شکل طبیعی ابراز وجود مبارزاتی خود را به دیگر بخشهای جامعه تسری دهند. عمق نارضایتی اکثریت مردم از شرایط فلاکتبار اقتصادی، وضعیتی را بوجود آورده است که زحمتکشان و تهیدستان، پرستاران، دانشجویان دانشگاهها، هنرمندان و روشنفکران، به سهولت به این اعتصابات خواهند پیوست. اعتصاب سیاسی عمومی که اعتصاب کارگران ستون فقرات آن را تشکیل دهد قدرت مانور را از رژیم سلب و ماشین سرکوب آن را زمینگیر و فلج می کند. از طریق اعتصاب سیاسی عمومی توده های میلیونی فعال می شوند و از حرکت جمعی و هماهنگ خود نیرو و امید می گیرند. سرنگونی جمهوری اسلامی بدون بسیج میلیونی توده ها بر علیه وضع موجود ممکن نیست و اعتصاب عمومی که بطور طبیعی سیاسی خواهد بود، امکان این بسیج توده ای را فراهم می سازد.

به میدان آمدن طبقه کارگر

اکنون در شرایطی که حدود دو ماه از آغاز خیزش انقلابی ژینا می گذرد، از زاویه منافع آنی و آتی طبقه کارگر پیوستن به این خیزش انقلابی که سرنگونی حکومت اسلامی را در چشم انداز قرار داده است به یک ضرورت سیاسی و طبقاتی برای کارگران تبدیل شده است. تردیدی نیست که رهبران و فعالین جنبش کارگری به ضرورت سیاسی و طبقاتی به میدان آمدن طبقه کارگر و تلاش برای تأمین هژمونی جنبش کارگری واقف هستند. اما باید توجه داشت که سرکوب شدید، تهدید به اخراج، فقر بی سابقه و نگرانی از تأثیرات پیامدهای اعتصاب بر زندگی خانواده های کارگری در حالی که خط فقر نسبی خانوارها در ایران به بالای ۱۸ میلیون تومان در ماه رسیده است، از جمله موانعی هستند که فعالین و رهبران کارگری برای سازماندهی اعتصاب و بسیج کارگران با آن روبرو می باشند. اولین موج اعتراضی کارگران در صنایع نفت و پتروشیمی در همبستگی با این خیزش انقلابی با سرکوب شدید و دستگیری ده ها

طبقه کارگر در تصرف قدرت سیاسی را تضمین نمی کند. برای وقوع انقلابی که نظام جمهوری اسلامی را به شیوه انقلابی به زیر بکشد، طبقه کارگر به قدرت سیاسی برسد و تحول در بنیادهای مناسبات سرمایه-داری را در دستور کار خود قرار دهد، علاوه بر تغییرات و زمینه های عینی و اجتماعی که از اراده احزاب و نیروهای سیاسی خارج است، لازم است طبقه کارگر انقلابی یعنی لوکوموتیو اصلی انقلاب به میزان کافی سازمان یافته، آگاه و نیرومند باشد تا بتواند رسالت تاریخی خود را به انجام برساند. این کافی نیست که طبقه حاکم نتواند به شکل سابق به حاکمیت خویش ادامه دهد، فقر طبقات فرودست به شرایط و موقعیت غیرقابل تحملی رسیده باشد و کارگران نخواهند به شکل سابق زندگی کنند و به میدان عمل مستقل علیه وضع موجود کشانده شوند، بلکه علاوه بر این پیش شرط ها، لازم است طبقه کارگر توانایی انجام رسالت تاریخی را هم در خود به وجود آورده باشد. طبقه کارگر بدون سازمانیابی در تشکل های طبقاتی و توده ای و حزب سیاسی کمونیستی خود و ایجاد تشکل و فراگیر کردن نهادهایی از نوع کمیته های اعتصاب و ایجاد شوراهای کارگری که اعتصابات و مبارزات جاری کارگران را هدایت و رهبری کنند، نمی تواند ظرفیت های خود را برای ایجاد این تحولات انقلابی به کار گیرد. در لحظه کنونی چیره شدن بر این ضعف و کمبودها و آماده کردن طبقه کارگر برای رهبری این جنبش انقلابی، وظایف سنگینی را بر دوش فعالین و رهبران سوسیالیست جنبش کارگری و احزاب و سازمان های کمونیستی قرار می دهد.

وظایف کمونیست ها

کمک به تداوم و پیشروی خیزش جاری

از آنجا که تداوم و پیشروی این خیزش انقلابی در گرو هرچه توده ای تر شدن آن است، تلاش در این راستا یکی از وظایف محوری کمونیست ها را تشکیل می دهد. این خیزش انقلابی هر چه ادامه یابد عمیق تر می شود و فرصت بیشتری برای رهبران کارگری جهت بسیج و به میدان آوردن توده ی کارگران ایجاد می کند. سرکوب شدید، نگرانی از سرنوشت مبارزات توده ها، فقدان وجود یک آلترناتیو نیرومند انقلابی که توده ها برای عبور از جمهوری اسلامی و تحقق خواسته هایشان و به آن امید ببندند از جمله فاکتورهای تعیین کننده ای به شمار می آیند که در برابر گسترش این خیزش انقلابی قرار دارند. در حالیکه حکومت اسلامی سرمایه داران دارای نیروی

این اعتبار کودتای خود را از قبل انجام داده است حاضر نخواهد شد همه این منابع قدرت را در راه حفظ نظام ولایت فقیه و دستگاه روحانیت از دست بدهد. از سوی دیگر پروژه آلترناتیو سازی قدرتهای امپریالیستی به کمک نیروهای مختلف اپوزیسیون بورژوازی برای به شکست کشاندن انقلاب نیز، بدون حمایت و مشارکت بخش هایی از سپاه پاسداران و ارتش و نیروهای مسلح، پروژه ای کارتونی و در بهترین حالت فقط نقش اهرم فشار سیاسی بر رژیم اسلامی را خواهد داشت. وجود این خطرات باز هم بر ضرورت به میدان آمدن طبقه کارگر و سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی و در هم شکستن ماشین دولتی آن تأکید دارد.

موقعیت انقلابی

همه آنچه گفته شد و روند اوضاع سیاسی در ایران نشان می دهد که جامعه در یک موقعیت انقلابی قرار گرفته است. اما روحیات رزمندگان کف خیابان و شور انقلابی که خصلت نمای یک موقعیت انقلابی است، هنوز در میان توده ی کارگران در مراکز و مجتمع های بزرگ تولیدی و خدماتی فراگیر نشده است. به رغم تلاش و زحمات فعالین و رهبران رادیکال کارگری بخش های وسیعی از کارگران هنوز به این نتیجه نرسیده اند که برای برون رفت از این همه فقر و بی حقوقی سیاسی و برای عبور از حکومت اسلامی و مناسبات سرمایه داری باید با سلاح نیرومند اعتصاب به این خیزش انقلابی بپیوندند. این تجربه بیانگر این واقعیت است که همه مؤلفه های یک موقعیت انقلابی همزمان با هم آماده نمی شوند. اما تحت تأثیر فضای عمومی جامعه روحیه کارگران هم بسرعت در حال تغییر است، کارگران نیز به مرحله تعرض گام می گذارند. این اوضاع انقلابی کمک می کند که جنبش کارگری با سرعتی چند برابر از سرعت تکامل این جنبش در اوضاع عادی بر ضعف های خود غلبه پیدا کند و با اعتصابات خود راه پیشروی جنبش انقلابی جاری را هموار نماید.

از آنجا که انقلاب محتمل ترین راه به قدرت رسیدن طبقه کارگر است، قرار گرفتن در موقعیت انقلابی از این روی برای کمونیست ها اهمیت حیاتی دارد. که برای طبقه کارگر فرصت سرنگونی انقلابی حاکمیت بورژوازی و تسخیر قدرت سیاسی را فراهم می آورد. با این وصف روشن است که قرار گرفتن در موقعیت انقلابی به خودی خود، وقوع انقلاب و پیروزی



تن از کارگران مواجه شد. فراخوان شورای سازماندهی کارگران پروژه ای نفت برای آغاز اعتصاب کارگران در هفتم آبان به دلیل شرایط امنیتی در محیط های کار و بگیر و ببند کارگران به بعد موکول شد. در هفت تپه کارگران نیشکر اعتصابی دو روزه را آزمون کردند که با کارشکنی و اخلال روبرو شد. در فولاد اهواز نیز دورخیزی برای اعتصاب مشاهده شد. کارگران در بخش های استراتژیک نفت و گاز، پتروشیمی، پالایشگاهها، حمل و نقل و مراکز درمانی و بهداشتی و دیگر بخش های خدماتی و... اعتصاب هایی را به آزمون می گذارند تا زمینه های یک اعتصاب سراسری و سرنوشت ساز فرا رسد. احزاب و نیروهای کمونیست باید تمام ظرفیت های خود را در همراهی با فعالین رادیکال و سوسیالیست جنبش کارگری برای رفع موانع سر راه بسیج کارگران بکار گیرند.

گستراندن افق سرنگونی انقلابی

از آنجا که بخش های مختلف اپوزیسیون بورژوازی ایران تحت عنوان پرهیز از خشونت انقلاب را تخطئه می کنند، در چنین دوره ای یکی از وظایف اصلی ما رواج دادن تصویری کامل از سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی به معنای در هم شکستن تمامی ماشین دولتی، از جمله انحلال ارتش و سپاه پاسداران، نیروهای انتظامی و کلیه ارگان های سرکوب و بوروکراتیک حاکم و نهادهای تبلیغاتی و ایدئولوژیک و الغای قانون اساسی و سایر قوانین ضد انسانی رژیم اسلامی است. لازم و ضروری است که چشم انداز و سطح انتظارات کارگران و فرودستان از سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی را چنان ارتقا داد که هیچ کدام از بخش های اپوزیسیون بورژوازی نتوانند با جابه جایی و نقل و انتقال قدرت از بالای سر توده ها، انقلاب را عقیم بگذارند. کمونیست ها از زاویه منافع طبقه کارگر انقلابی خواهان انقلاب پیگیر و بی وقفه هستند. برای ما کمونیست ها سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، عملی انقلابی با هدف سلب قدرت سیاسی و اقتصادی از کل طبقه سرمایه دار ایران است. بنابراین مبارزه ما برای سرنگونی جمهوری اسلامی، وجه جدایی ناپذیری از رویکرد سیاسی و مبارزاتی ما برای انقلاب اجتماعی است. انقلاب اجتماعی نه فقط به معنای دست به دست شدن قدرت سیاسی، بلکه به معنای دگرگونی و ریشه کن کردن مناسبات سرمایه داری و بنیاد نهادن نظم و سوخت و ساز نوین اجتماعی می باشد که بر

همه بخشهای جامعه اثر گذارد و آزادی و رفاه و برابری همه انسان ها را تضمین کند.

نقد پیگیر اپوزیسیون بورژوازی

یکی از راههای مقابله با خطر به شکست کشاندن خیزش انقلابی جاری و یکی از ارکان تأمین هژمونی طبقه کارگر در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی نقد رادیکال و ریشه ای سازشکاریها، راه کارها و آلترناتیوسازی بخشهای مختلف اپوزیسیون بورژوازی از جمهوری خواهان لائیک و سکولار گرفته تا نیروهای مرکز همکاری در کردستان، تا شورای مدیریت گذار و مجاهدین و سلطنت طلبان است. این نیروها کماکان بر گذار مسالمت آمیز از جمهوری اسلامی یا دست به دست شدن قدرت سیاسی از بالا، جلب حمایت ارتش و سپاه پاسداران و به کمک قدرت های امپریالیستی امید بسته اند. سلطنت طلبان سیر قهقرایی حیات اجتماعی در ایران بعد از شکست انقلاب ۵۷ را دلیل تخطئه انقلاب آتی می دانند. نباید بگذاریم این نیروها چنین بی پروا، علیه انقلاب، بذر تردید و ناباوری بکارند.

شعارها

از آنجا که شعارها جایگاه معینی در تعمیق این جنبش انقلابی دارند، لازم است تعمیق این خیزش و چشم انداز روشن آن هر چه بیشتر در شعارها بازتاب یابد. بدون تردید شعار "زن، زندگی، آزادی" و شعارهای "مرگ بر دیکتاتور" و "مرگ بر خامنه ای" شعارهای انقلابی هستند چون تحقق آنها در گرو سرنگونی حکومت اسلامی است. اما این شعارها به تنهایی افق روشنی از سرنگونی رژیم اسلامی ترسیم نمی کنند. همانگونه که شعار مرگ بر شاه در قیام ۵۷ افق روشنی را ترسیم نکرد، شاه ستمگر با منطبق یک قیام توده ای از صحنه سیاسی جامعه جارو شد، اما یک رژیم ستمگتر و جنایتکارتر جای آن را گرفت. همانطور که شعار مرگ بر مبارک در مصر، مرگ بر بن علی در تونس و مرگ بر قذافی در لیبی در جریان خیزش های توده ای خاورمیانه افق روشنی را ترسیم نکردند، آن دیکتاتورها رفتند، اما حکومت های سرمایه داری مرتجع در جای خود ماندند و کارگران و توده های مردم به رغم جانفشانی به خواسته های خود نرسیدند. بنابراین شعار مرگ بر دیکتاتور و سرنگون باد جمهوری اسلامی لازم است در بیان خواسته های توده های ستمدیده که تحقق هر کدامشان تحولی را در زندگی آنان ایجاد می

کند معنا یابند. شعارهایی که در همانحال رابطه و پیوند تنگاتنگی با انتظاراتمان از اقدامات عاجل دولت برآمده از انقلاب دارند. برای نمونه انحلال کلیه دستگاه سرکوب و تحمیق توده ها، جدائی دین از دولت، آزادی های بی قید و شرط سیاسی، لغو کلیه قوانین آپارتاید جنسیتی و زن ستیز و برابری زن و مرد، آزادی کلیه زندانیان سیاسی و لغو مجازات اعدام، تأمین بیمه بیکاری برای همه بیکاران، پایان دادن به تخریب محیط زیست، لغو دیپلماسی سری و... اقداماتی هستند که هر دولت برآمده از قیام پیروزمند توده ها بلافاصله باید انجام داده یا در دستور کار قرار دهد. فراتر از این، شعارهایی از قبیل، "نان، کار، آزادی، اداره شورایی"، "آزادی، برابری، حکومت شورایی"، "آزادی، برابری، حکومت کارگری"، "زنده باد سوسیالیسم" که چشم انداز و افق انقلاب پیگیر و بی وقفه تا سرنگونی سرمایه داری را در پیش پای جنبش کارگری و این خیزش انقلابی قرار می دهد هر چه بیشتر توده ای شوند.

سازمانیابی شورایی

در عرصه سازمانیابی لازم است به فکر این باشیم که همین شبکه به هم مرتبط جوانان انقلابی در محلات شهرها و در دانشگاه ها و در مدارس که در سازماندهی این اعتراض ها نقش ایفا کرده اند، سنگ بنای شوراهای محلات و دانشگاهها و مدارس را تشکیل دهند. این شوراهای در شرایط کنونی می توانند مانند ارگان سازماندهی و رهبری مبارزات توده ها نقش ایفا کنند و بر بسیج زنان کارکن و زحمتکش و تهیدستان حاشیه شهرها تمرکز نمایند و با تضعیف بیشتر رژیم اسلامی و با هر خلائی که در اداره و مدیریت محلات و شهرها پیش آمد مانند ارگان اداره و مدیریت جامعه عمل کنند. در این شرایط لازم است سازمانها و شوراهای توده ای زنان را پایه ریزی کنیم.

جنبش کارگری ایران طی سالهای اخیر هزاران اعتصاب و اعتراض کوچک و بزرگ را تجربه کرده است. در دل این اعتصابات نسلی از فعالین و رهبران کارگری پرورده شده و به صحنه آمده اند که بسیاری از آنان تجربه سازماندهی و رهبری اعتصاب، تجربه برپائی مجامع عمومی کارگری و دخالت دادن کارگران در تصمیم گیری ها را دارند. کارگران بسیاری از مراکز کارگری مانند نیشکر هفت تپه، فولاد اهواز، آذراب و هپکو در اراک، اعتصابات کارگری و برپائی مجامع عمومی را تجربه کرده اند. کارگران صنایع نفت و پتروشیمی





تجربه ایجاد شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی، سازماندهی اعتصاب سه ماهه و برپائی مجامع عمومی را دارند. کارگران معادن و راه آهن و ... تجربه ایجاد کمیته اعتصاب و سازماندهی اعتصابات کارگری را دارند. معلمان راه برپائی اعتصابات و اعتراضات سراسری را نشان دادند. کارگران هفت تپه طی پنج سال گذشته ده ها بار مجامع عمومی کارگران را برگزار کرده اند و در مقاطعی شورا را به نام مجمع نمایندگان زندگی کردند. این تجربه ها به ما یادآور می شوند که ماتریال انسانی و کادرهای سازماندهی که با ایده شورایی و ایده دخالت دادن مستقیم کارگران در تصمیم گیرها بار آمده اند در جنبش کارگری ایران موجود هستند. بنابراین کم کم زمینه برای ایجاد شوراهای کارگری مهیا شده است. البته که برپائی شوراهای کارگری در کارخانه ها و مجتمع های صنعتی توازن قوای مناسب تری می طلبد. اما این واقعیت را هم باید در نظر داشت که تلاش سازمانیافته برای برپائی شوراهای خود بخشی از مبارزه برای تغییر توازن قوا به نفع جنبش کارگری و سامان دادن به پایه های آلترناتیو حاکمیت شورایی و سوسیالیستی است.

گسترش و تقویت فعالیت های شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

در راستای همین بحث ها و جهت گیری ها، در پلنوم سوم بر ضرورت هرچه فعال تر شدن شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست به عنوان یکی از دستاوردهای جنبش کمونیستی ایران تأکید شد. با توجه به اینکه جامعه وارد یک موقعیت انقلابی و سرنوشت ساز شده است، این اوضاع جدید از کلیه نیروهای متشکل در شورای همکاری می طلبد که برای تقویت و انسجام بخشیدن هر چه بیشتر به قطب و بلوک سوسیالیستی تلاش کنند. در این تردیدی نیست که نیروی چپ و سوسیالیستی یک نیروی عظیم اجتماعی در جامعه است و حضور آن در جنبش انقلابی جاری غیر قابل انکار است. اما این نیروی اجتماعی هنوز مانند یک بلوک منسجم سوسیالیستی عمل نمی کند. در خارج از کشور نیز احزاب و سازمانها و نهادهای و کمونیست های مستقل رادیکال چپ و کمونیست با اینکه فعالیت گسترده ای را پیش می برند و اشتراکات زیادی دارند اما هنوز نتوانسته اند مانند بلوک نیرومند و منسجم سوسیالیستی ظاهر شوند. اوضاع متحول کنونی از شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست می طلبد که بیش از گذشته در نقش رهبری

شکل گرفته اند. سیاست ناظر بر این فعالیت ها همانطور که تاکنون در جلسات مختلف بر آن تأکید شده است عبارت از این است: تشکیلات خارج از کشور حزب در آکسیون ها و راهپیمایی هایی که از جانب سلطنت طلبان و یا سازمان مجاهدین خلق سازماندهی می شوند و یا با ابتکار عمل آنها برپا می شوند مطلقاً و یا با ابتکار عمل آنها برپا می شوند مطلقاً شرکت نمی کند. در راهپیمایی و یا تجمع های اعتراضی عمومی، تنها در صورتی شرکت می کنیم که تشکیلات ما و یا نمایندگان نیروهای چپ در محل از ابتدا تا انتها در سازماندهی و مدیریت آن حرکت معین حضور داشته باشند. نباید نیروی ما و دیگر نیروهای چپ به سیاهی لشکر هیچ نیروی دیگری تبدیل گردد. پیشبرد مؤثر این سیاست در گرو آن است که قبل از آن، کل نیروهای چپ و سوسیالیست در محل زیر یک چتر، ائتلاف و یا بلوک متحد جمع شوند و مشترکاً در این موارد سیاست عملی خود را اتخاذ نمایند. در صورتی که شرکت ما در این تجمع های اعتراضی عمومی به اتحاد و همکاری نیروهای چپ و سوسیالیست لطمه بزند نباید در آنها شرکت کنیم. تشکیل شورای حمایت از اعتراضات مردم ایران در کلن آلمان که رفقای ما در همکاری با دیگر نیروهای سیاسی چپ و کمونیست های منفرد ابتکار ایجاد آن را در دست داشته اند، ایجاد شورای همبستگی با مبارزات مردم ایران در لندن که رفقای ما با همکاری دیگر نیروها چپ و کمونیست مبتکر آن بوده اند و یا اقدامات مشابهی که رفقا در فنلاند، یا هامبورگ آلمان انجام داده اند، نمونه های خوبی است که می توان از آنها درس گرفت. گسترش این فعالیت ها در خارج از کشور و انعکاس آن در مطبوعات می تواند هزینه سیاسی سرکوب را برای رژیم اسلامی بالا ببرد، و پیشبرد پروژه های امپریالیستی در بند و بست با اپوزیسیون بورژوازی برای به شکست کشاندن جنبش انقلابی و آزادخواهانه مردم ایران را با موانع بیشتری روبرو کند.

ارگانهای سیاسی و تبلیغی حزب

فعالیت های سیاسی و تبلیغی شبکه های تلویزیونی حزب و کومه له و شبکه های اجتماعی و نشریات حزب و کومه له باید تابعی از سیاست ها و وظایف و اولویت های حزب و کومه له در این دوره باشد. به رغم مشکلات و محدودیت هایی که داریم لازم است نیرو و انرژی بیشتری به کار تلویزیون و شبکه های اجتماعی اختصاص دهیم. با اینکه فعالیت این بخش ها از پلنوم



سیاسی ظاهر شده و برای انسجام بخشیدن به قطب چپ و سوسیالیستی در داخل و خارج به طور نقشه مند عمل کند. به ویژه در شرایطی که جنبش انقلابی جاری تداوم دارد، عکس العمل به موقع در قبال رویدادها در داخل و خارج، اتخاذ سیاست و تاکتیک های درست که هر کدام به نوبه خود به انسجام این نیروی اجتماعی چپ کمک می کند می تواند از اولویت های فعالیت شورای همکاری در این دوره باشد. در راستای پاسخگویی به همین نیازها لازم است آرایش سازمانی متناسب با انجام این وظایف را در پیش گیرد. این اوضاع همچنین از شورای همکاری می طلبد که فعالیت رسانه ای خود را در کلیه زمینه ها گسترش دهد. بنابراین حزب کمونیست ایران و دیگر احزاب و سازمانهای متشکل در این شورا باید آماده باشند که نیروی بیشتری را به فعالیت های شورای همکاری اختصاص دهند.

وظایف ما در خارج از کشور

برپائی و شرکت فعال در آکسیون های خارج از کشور در حمایت از خیزش انقلابی جاری و حضور در رسانه ها برای معرفی اهداف آن از اولویت کار و فعالیت تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست ایران در این دوره است. بسیاری از پناهندگان و مهاجرینی که خود در اعتراض به سیاستهای سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی به خارج کشور پناه برده اند امروز در صف اعتراض عمومی علیه رژیم و به نشانه همبستگی با جنبش انقلابی در ایران به خیابان می آیند. ما به عنوان بخشی از چپ و کمونیست باید وسیعاً تلاش کنیم که همه انسانهای آزادیخواه و مترقی که در اعتراض علیه دیکتاتوری و اختناق در ایران و برای رهایی کارگران، زنان، جوانان، ملیتهای تحت ستم و همه مردم ستمدیده و جان به لب رسیده ایران به میدان می آیند را در صفهای قدرتمند علیه جمهوری اسلامی بسیج نماییم. برای جلب این نیروی وسیع بایستی سبک کاری جدید و فراسازمانی که مناسب این شرایط جدید برای جلب همبستگی عمومی باشد در پیش گرفت. در این راستا می توان بر تشکیل شوراهای همبستگی با جنبش انقلابی ایران و یا هر نهاد مبارزاتی دیگری که بتواند کل این پتانسیل اعتراضی علیه جمهوری اسلامی را نمایندگی کند تأکید نمود و برای ایجاد آن وارد عمل شد. نمونه هایی از این شوراهای و جمعیت ها که در برگیرنده یک پتانسیل جمعی و فراحزبی از نیروهای چپ و رادیکال و مردم آزادخواه است هم اکنون در برخی از کشورهای اروپایی

قبل تاکنون تحرک بیشتری بخود دیده است ولی هنوز تا پاسخگویی به نیازهای این دوره بسیار فاصله داریم.

نشست کمیته مرکزی حزب بعد بحث حول گزارش سیاسی کمیته اجرائی به پلنوم و تصویب کلیات آن به اتفاق آراء، و تصویب یک قرار داخلی گزارش فعالیت ارگانهای مختلف حزب، کمیته تشکیلات شهرها، شورای تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه له، کمیته اداره سایت ها و شبکه های اجتماعی حزب، نشریه جهان امروز، کمیته روابط بین المللی، کمیسیون مالی، هیئت تحریریه نشریه بسوی سوسیالیسم، کمیسیون آموزش، کومه له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) و کمیته اجرائی حزب را استماع و مورد نقد و بررسی قرار داد. پلنوم کمیته مرکزی ضمن تأکید بر ضرورت تحکیم حزبی و رعایت اکید موازین کار کمیته ای، جمعی و شورایی در انجام وظایفی که در این دوره در دستور کار و فعالیت حزب قرار گرفته است و همچنین در راستای جهت گیری های فوق ارگانهای مختلف فعالیت حزب را تقویت و تجدید سازمان کرد.

پلنوم سوم کمیته مرکزی منتخب کنگره سیزدهم حزب در بخش پایانی کار خود، به منظور هدایت فعالیت های سیاسی و تشکیلاتی حزب در فاصله دو پلنوم، از میان رفقای کمیته مرکزی حزب که در لیست کاندیداها قرار گرفته بودند نه نفر را به عنوان اعضای کمیته اجرائی حزب انتخاب نمود. اسامی این رفقا عبارتند از: هلمت احمدیان، روزین امینی، خسرو بوکانی، رفوف پرستار، نصرت تیمورزاده، حسن شمسی، رحیم عزیزپور، آرام فرج الهی و صلاح مازوجی.

کمیته اجرائی حزب کمونیست ایران

آبان ۱۴۰۱

نوامبر ۲۰۲۲



اطلاعیه کمیته مرکزی کومه له

در رابطه با اعتصاب سراسری سه روزه به

مناسبت سالگرد کشتار خیزش آبان ۹۸

نیروهای مزدور و فرسوده سرکوبگر رژیم را بیشتر درهم ریخت.

سازماندهندگان این اعتراضات برخلاف ادعای سران اپوزیسیون بورژوازی و ناسیونالیست در سطح سراسری و کردستان، کسی جز نسل جدیدی از رهبران و فعالین محلی نبود که تجارب سازماندهی و هدایت مبارزات چند خیزش اعتراضی و اعتصاب را با خود دارند. تداوم دو ماهه این جنبش اعتراضی نیز که ریشه در اعماق جامعه دارد محصول نقش و اتخاذ سیاست و تاکتیکهای مناسب همان زنان و مردان و جوانان انقلابی می باشد که در شبکه های به هم مرتبط فعالین سازمان یافته اند. عمق نارضایتی کارگران و اکثریت مردم ایران از وضعیت زندگی و معیشت فلاکتباری که رژیم اسلامی سرمایه به آنان تحمیل کرده، شرایطی ایجاد کرده است که اقتشار زحمتکش و تهیدست جامعه به سهولت به جنبش سرنگونی خواهند پیوست. تلفیق اشکال مبارزاتی و اعتصابات سیاسی عمومی پی در پی توده ای و سراسری در ابعاد میلیونی که اعتصاب کارگران در آن به مثابه ستون فقرات عمل می کند، قادر خواهد بود قدرت مانور را از ماشین سرکوب بعنوان تنها ابزار تداوم حاکمیت رژیم اسلامی سرمایه بگیرد و سرانجام آنرا به زیاله دان تاریخ بیاندازد.

تلاش پیگیر و سخت کوشانه برای تحقق این امر از وظایف اصلی و محوری کنونی فعالین و پیشروان کمونیست در جنبش کارگری و متشکل در شبکه های به هم مرتبط جوانان انقلابی در محلات شهرها و دانشگاهها و مدارس می باشد. این شبکه ها می توانند سنگ زیر بنای شوراهای محلات و دانشگاهها و مدارس باشند. شوراهایی که در شرایط کنونی ارگان سازماندهی و رهبری مبارزات توده ها در جامعه ست و با تضعیف بیشتر رژیم بعنوان ارگان اداره و مدیریت جامعه عمل خواهند کرد.

گرامی باد یاد جانباختگان خیزش انقلابی آبان ۹۸

و جنبش انقلابی ژینا

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی برابری حکومت شورایی

کمیته مرکزی کومه له

(سازمان کردستان حزب کمونیست ایران)

۲۶ آبان ۱۴۰۱ ۱۷ نوامبر ۲۰۲۲

اعتصاب پرشور و شکوهمند سه روزه همزمان با مبارزات پرشور زنان و مردان آزادیخواه در کف خیابان در کردستان و سراسر ایران طی روزهای ۲۴ تا ۲۶ آبان، به مناسبت کشتار بیش از ۱۵۰۰ انسان توسط رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در جریان خیزش آبان ۹۸، تجربه موفق دیگری بود که جنبش انقلابی "ژینا" را وارد فاز جدیدی کرد. در این روزها همزمان با اعتصاب عمومی، زنان و مردان آزادیخواه به مناسبت گرامی داشت یاد جانباختگان خیزش آبان ۹۸ دانشگاه، مدرسه، کف خیابان و میدانی شهرهای مختلف ایران را به میدان اعتراض و مقابله با تعرض نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی تبدیل کردند. گرچه برپایی اعتصاب عمومی برای مردم کردستان بی سابقه نبوده و مردم کردستان طی سالهای گذشته در جریان مبارزات خود علیه جمهوری اسلامی چند بار آنرا به صورت موفقیت آمیزی تجربه کرده بودند، اما تداوم سه روزه اعتصاب و تلفیق آن با اعتراض های خیابانی در ابعاد سراسری و بصورت همگانی درس و تجربه موفق بود که جوانان انقلابی و مردم مبارز کردستان و سراسر ایران آنرا بخوبی پیش بردند. این اعتصاب و اعتراضات خیابانی حلقه دیگری از تلفیق اشکال گوناگون مبارزات توده های مردم به پا خاسته ایران علیه نظام دیکتاتوری و ضد انسانی جمهوری اسلامی بود. اعتصابی که در آن بازاریان و دیگر اصناف نیز مشارکت داشتند، نشان از حرکت در جهت هرچه توده ای شدن جنبش دارد.

در برابر این اعتصاب و اعتراض های وسیع و سراسری، دستگاههای امنیتی و نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی سراسیمه و سردرگم شده و با تیراندازیهای بسوی مردم معترض متأسفانه موجب مرگ تعدادی از مردم مبارز شدند. همزمانی این اعتصاب با اعتصاب و اعتراضات دانشجویان همه دانشگاهها و دانش آموزان مدارس در بسیاری از شهرها، برپایی اعتراض های خیابانی محله محور بطور هماهنگ در چندین نقطه و محله تهران و سایر شهرهای بزرگ و کوچک قدرت مانور نیروهای سرکوبگر را گرفت و سران رژیم را به وحشت مرگ انداخت. یکی دیگر از نقاط قوت این مرحله از جنبش انقلابی، اعتصاب همزمان کارگران ذوب آهن اصفهان و کارگران صنایع پتروشیمی عسلویه بود که جبهه مبارزات مردمی را پر قدرت تر ساخت و اعتماد به نفس و روحیه

عباس منصوران

اعتصاب عمومی کارگری و زمینه‌های ضروری!

کارکرد مادی مبارزه طبقاتی ندارند، بنا به درک و شناخت علمی از مبارزه طبقاتی، اعتصاب عمومی کارگری، به عوامل و شرایطی بستگی دارد که در مرحله‌ی ویژه‌ای از مبارزه طبقاتی، از سوخت و ساز آن شرایط و بیرون زایی «غریزه‌ی» انقلابی کارگران بیرون می‌تراود. براین مبنای، اعتصاب عمومی، مانند انقلاب و زمینه‌های انقلاب، از روند دیالکتیکی مبارزه طبقاتی زایش می‌یابد. بیداری و آگاهی طبقاتی به سرعت با خواسته‌های اقتصادی و روزمره به فهم و آگاهی طبقاتی سیاسی همانند درخشش آفتاب بیدار می‌شود. حلقه‌ی زنجیرها به بیان گل سرخ انقلاب شورایی (روزا لوگزامبورگ) به صدا در می‌آیند و زخم‌های کهنه سر باز می‌کنند. این بیداری به کمک بیانیه و فرمان، به بار نمی‌نشیند، بلکه در مبارزه‌ی زنده و اقدام عملی و مستقیم خود طبقه در برابر حکومت و طبقه حاکم به دست می‌آید. آموزش سیاسی، آگاهی طبقاتی و سازمانیابی در این فرایند به دست می‌آید. سرنگونی و پایان دهی به استبداد سرمایه و حاکمیت سرمایه به دست چنین طبقه و با چنین ویژگی و سلاخی انجام می‌پذیرد. جز چنین بینشی، اپوزیسیون بورژوازی در کمین نشسته، ثمره‌ی جنبش انقلابی را در برابر چشمان حیرت‌زده‌ی توده‌ها و طبقه کارگر به پاخاسته می‌ریابد.

مهمترین عناصر و عوامل ضروری اعتصاب عمومی

- اعتراض عمومی توده‌ای فراگیر و ادامه‌دار،
- برخورداری از هسته‌های رهبری و سازمانده
- صندوق مالی اعتصاب و خودیاری
- برخورداری از افق روشن و انگیزه‌ی اعتصاب و تداوم آن.

مهمترین و جان‌بخش‌ترین عنصر و ضامن پیروزی اعتصاب عمومی کارگری، به دست گرفتن رهبری سیاسی و افق طبقاتی آن در وضعیت انقلابی آن است.

در جنبش انقلابی مه‌ماه جاری تا کنون که به نام ژینا فوران یافت، نزدیک به ۱۰۰ شبانه روز، کارگران به همراه به پاخاستگان، در فریادهای شبانه تا صبح در خیابان‌ها،

اجتماعی است که در بلوغ یک روند مبارزه اقتصادی-سیاسی روزمره طبقه کارگر به بالندگی می‌رسد. از آن‌جا که حکومت‌های سلطنتی و اسلامی، کارگران را از هرگونه حقوق سیاسی و سازمانی و اجتماعی محروم کرده بودند، اندیشه‌ی اعتصاب عمومی، به سان نیرویی بالقوه، زنده و پرورانیده شده، در ذهنیت طبقه کارگر جاری بوده است. سازمان‌ها و نهادهای مخفی و نیمه مخفی کارگری و هسته‌های کارگری-سوسیالیستی در بخش‌های تولیدی و خدماتی نفت و گاز و پتروشیمی، هفت تپه، فولاد اهواز، شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، آموزگاران و فرهنگیان، دانشجویان همبسته با طبقه کارگر، بازنشستگان، زنان و... همه و همه به بلوغ سیاسی و سرعت بخشیدن به بالندگی و به بار نشستن اعتصاب عمومی کارگری یاری می‌رسانند. این فرارسیدن، به اراده‌ی کسی نیست، ناگهانی، مخفیانه و با فراخوان پنهانی و بنا به میل یک سازمان یا حزب سیاسی پاسخ نمی‌گوید و مصنوعاً برپا نمی‌شود.

اعتصاب عمومی کارگری، پدیده‌ای تاریخی و اجتماعی- طبقاتی است و به این معنا، دارای پتانسیل و دینامیسم طبقاتی طبقه‌ی خود بوده که آفرینندگی ارزش‌های تولیدی و مصرفی و خدماتی و درآمد کل جامعه‌ی را بردوش دارد. بنابراین بنا به دیالکتیک مادی تاریخ، دگرگونی و تغییر این مناسبات ضدانسانی و طبقاتی نیز به عهده‌ی طبقه ارزش آفرین جامعه است. اعتصاب عمومی طبقه کارگر بنابراین، واکنش سرشتی و ماهوی طبقاتی طبقه کارگر است و از همین روی یک ضرورت، یعنی پدیده‌ای گریزناپذیر به شمار می‌آید. به بیان انقلابی روزا لوگزامبورگ در بررسی انقلاب کارگری ۱۹۰۵ روسیه، در کتاب «اعتصاب توده‌ای»، حزب سیاسی و اتحادیه‌های کارگری: «اعتصاب توده‌ای کارگری... روش حرکت توده‌ی پرولتاریا است، فرم پدیده‌ای مبارزه پرولتاریا در انقلاب است.»

عوامل و ضرورت‌ها

هیچ حکومتی در تاریخ حاکمیت سرمایه‌داری چه در کشورهای متروپل و چه کشورهای پیرامونی تاکنون نتوانسته از وقوع اعتصاب‌های عمومی کارگری و دستکم انقلاب‌های سیاسی، جدا از پیروزمندی یا ناکام بودگی آن‌ها جلوگیری کند. برخلاف پیش‌داوری‌های افرادی که شناختی از

حضور فعال کارگران و تهی‌دستان شهر و روستا و ستمکشانی که دیگر نمی‌خواهند ستمبر بمانند در خیزش انقلابی، در همه جا پیداست. زنان و مردانی که در کف خیابان‌ها، در دانشگاه‌ها، کوچه‌ها و محلات شهرها و شعارهای شبانه که فضای شهرها را بیدار و زنده و امیدوار می‌سازند نمایانگر یک برآمد انقلابی هستند. زنان، نوجوانان، جوانان، تجربه‌مندان و سالمندان در سراسر ایران از کردستان تا بلوچستان و سراسر جغرافیای ایران جان برکف که ایستادگی می‌کنند، کسانی هستند که چون موج‌های سرکش بر دریای خروشان برای زندگی و آزادی و حقوق انسانی خود با اراده‌ای پولادین به پاخاسته‌اند. می‌توان گفت که این به پاخاستگان، دیگر نه برای اعتراض، بلکه به اراده‌ی سرنگونی و نبرد علیه حکومت نظام. این جنبش در برابر حاکمیتی برخاسته که به زور گلوله و شکنجه، منافع اقتصادی و سیاسی و حکومتی خود و طبقه مسلط را تحمیل کرده و برآورده ساخته و مناسبات ضدانسانی سرمایه‌داری- استبدادی، هستی و زندگی جامعه را به غارت برده و به گروگان گرفته است. بنابراین نیروهای پیش‌برنده‌ی این خیزش انقلابی، تمامی استعمار شونده‌گان و فرودستان از جمله زنان که در درازای تاریخ بنا به قوانین و احکام حکومتی و مناسبات بهره‌کشی و سیستم مردسالارانه به بردگی محکوم بوده‌اند هستند.

شعارها و خواسته‌های جان‌فدایان، اسپران، زیرپیگردها، کمیته‌های محلات، زنان، دانش‌آموزان، جوانان، طبقه کارگر، دانشجویان همه و همه، نشان دهنده‌ی مَهر طبقاتی کارگری و فرودستانی هستند که برای پایان دهی به ستم‌های طبقاتی اراده کرده‌اند.

بنابراین، اگر این جنبش انقلابی هنوز با اعتصاب عمومی و سراسری طبقه کارگر همراه نیست، نباید به بی‌تفاوتی و یا غیبت کارگران در خیزش اعتلایی جاری ارزیابی شود. این خیزش سراسری، بدون هیچ اما و آگری از آنجا صفت انقلابی به خود گرفته است که زمینه ساز اعتصاب عمومی و سراسری طبقاتی کارگران می‌باشد. کارگران زن و مرد، با فرزندان دانش‌آموز و دانشجویان خود در سراسر ایران، شهرها و روستاها را دربرگرفته و در همه‌ی سنگرهای جنبش شرکت داشته و نیروهای مادی و بالنده‌ی انقلاب به شمار می‌آیند.

اعتصاب عمومی مانند ابزار شروع انقلاب

محللات، خانه‌ها و سرپناها، و روزها در این جنبش تاریخی و سرنوشت ساز، در همه تظاهرات و اعتصابات به علاوه در سه روز اخیر همبستگی با توده‌های زیرستم کردستان، علیه حکومت نظامی و حمله نظامی داعشی به کردستان، شجاعانه پیشگام شدند. در همبستگی با کردستان به پاخاسته و سرافراز، کارگران به صورت طبقاتی به میدان آمدند تا همراه با درخواست‌های طبقاتی خود اعتصاب کارگری را به خیزش سراسری پیوند دهند.

مروری بر یک هفته اخیر اعتصاب کارگری

مروری گذرا به گوشه‌ای از اعتصاب‌های گزارش شده‌ی طبقه کارگر در ۸ روزه‌ی اخیر، بیانگر پیوند و حضور و همبستگی طبقه کارگر و تهی‌دستان در جنبش انقلابی جاری می‌باشد:

۲۸ آبان‌ماه

مجمع عظیم صنعتی کروز - روز شنبه ۲۸ آبان ۱۹ نوامبر، اعتصاب کارکنان سایت ۳ گروه مجمع عظیم صنعتی کروز آغاز شد. صنایع تولیدی کروز که بزرگترین شرکت قطعه‌سازی در صنایع خودرو و نیز ماشین‌سازی به شمار می‌آید، بزرگترین تامین کننده قطعات خودروسازی‌ها از جمله ایران خودرو و سایپا به شمار می‌آید و بیش از ۱۲۰۰۰ کارگر که نزدیک به ۷۰ درصد کارگران آن را زنان کارگر تشکیل می‌دهند، در این مجموعه مشغول به کار هستند.

شنبه ۲۸ آبان

کارگران کارخانه داروگر تهران، دست به اعتراض زدند. در این روز، کارگران شیفت دو کارخانه ایران تایر نیز برای بار دوم در اعتراض به سطح نازل دستمزدها و همراهی با خیزش انقلابی دست از کار کشیدند.

۲۹ آبان - ایلیا رضایی، کودک کار ۱۴ ساله‌ی محللات اراک، که روز ۲۹ آبان، هنگام برگشتن از سر کار در یک دوچرخه سازی در شهر محللات در استان مرکزی به خانه بازمی‌گشت، هدف شلیک قرار گرفت و از پهلو پا به شدت زخمی شد. سرکوبگران او را به داخل خودرو کشانیدند و با شوکر برقی شکنجه و ساعت‌ها از انتقال وی به بیمارستان جلوگیری کردند. او در حاکیه از سوی خیزشگران محافظت می‌شد و به پهلو روی تخت، به سختی سخن می‌گفت گزارش داد: با اینکه به او شلیک کرده و زخمی بود، اما نیروهای سرکوبگر با شوکر او را درون خودرو و در مقر سپاه شکنجه کردند.

سی آبان ماه

کارگران نیروگاه سیکل ترکیبی سنندج - کارگران در بخش‌های مختلف همراه با همبستگی با جنبش انقلابی، با انتشار بیانیه‌ای اعلام اعتصاب کردند. در این بیانیه متأسفانه به سبب بی‌تجربگی، چند بی‌دقتی در فرموله کردن درخواست‌ها و ناهمخوان با مفهوم همبستگی طبقاتی طبقه کارگر دیده می‌شوند. کارگران در بیانیه‌ی خود از جمله اعلام کردند که: ما کارگران، با بیشترین آمادگی در محل کار به تولید برق و نیاز مردم اهتمام ورزیده ایم. متأسفانه سیاست‌های ناصحیح نهادهای امنیتی موجب استقرار نیروهای نظامی و شبه نظامی در داخل نیروگاه و فراهم کردن فضایی امنیتی، ایجاد مزاحمت و تشویش برای کارکردن و نیز ایجاد شبهه و حساسیت برای روستاهای قلیان و نله در همجواری نیروگاه شده است.

ما اعتقاد داریم نیروگاه سنندج و هر مرکز تولیدی به مثابه بخشی از ثروت مردم نیازی به حضور نیروهای غیرهمکار ندارد و تامین امنیت محل کار به عهده خود کارگران آن محل کار و مردم همجوار است.

ما کارگران ضمن اعلام لزوم خروج سریع نیروهای امنیتی از نیروگاه و عادی سازی وضعیت به مدیر نیروگاه و نهادی امنیتی هشدار می‌دهیم نتایج زیانبار سیاست‌های امنیتی متوجه آنها خواهد بود.»

جمعی از کارگران نیروگاه سیکل ترکیبی سنندج

اول آذر ماه، در همین روز، در پی موج اعتصاب و اعتراض‌های با شکوه سراسری به اعتصاب‌های کارگری، کارگران پتروشیمی مسجدسلیمان، شرکت بهمن موتور و رانندگان پایانه اکبرآباد تهران دست از کار کشیدند و تحصن کردند.

رانندگان باربری - گزارش‌ها و ویدیوهایی منتشره در روز سه‌شنبه اول آذرماه از اعتصاب و اعتراض رانندگان و کارکنان پایانه باربری



اکبرآباد - اسلام شهر در استان تهران، خبر می‌دهند. ماموران سرکوب یگان ویژه به این پایانه هجوم آوردند تا کارگران را به کاربازگردانند اما با مقاومت دلیرانه کارگران روبرو شدند.

کارگران پتروشیمی مسجدسلیمان - در این روز نیز به اعتصاب و اعتراض برخاستند. رانندگان کامیون و باربری - روز سه شنبه ۱ آذر ۱۴۰۱، رانندگان باربری اکبر آباد تهران (نسیم شهر - در کنار اسلامی شهر) دست به اعتصاب و راهپیمایی زدند. کارگران راننده در پشتیبانی از خیزش سراسری شعار مرگ بر دیکتاتور سر دادند. نسیم شهر در جنوب تهران قرار دارد و مرکز بخش بوستان شهرستان بهارستان به شمار می‌آید و افزون بر دویست هزار جمعیت دارد و صنایع و کارخانجات بسیاری در این جنوب شهر تهران برپا شده‌اند.

اعتصاب کارگران بهمن موتور کرج

روز ۱ آذرماه، کارگران بهمن موتور کرج، برای بار دوم دست به اعتراض و اعتصاب زدند. کارگران هفت تپه - با بیانیه‌ای از اعتصاب قطعه ساز و خودروساز در مجموعه بهمن موتور و قطعه سازی‌ها حمایت کردند. اسماعیل بخشی، کارگر آگاه و پیشتاز اخراجی از مجمع نیشکر هفت تپه، در توییتی، در همبستگی به خیزش سراسری، لشگرکشی به کردستان برای سرکوب خیزشگران را محکوم کرد: اسماعیل بخشی در تویتر خود اعلام کرد که «در کردستان دیگر واژه «سرکوب» هیچ محلی از اعراب ندارد، رسماً علیه مردم اعلام جنگ کردن فقط مانده موشک باران‌شان کنند، مردمی که هیچ سلاحی جز فریادشان ندارد.»

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان - در این روز، شورا از روز اتحاد جنبش انقلابی و سراسری پشتیبانی کرد. فراخوان سه روز اعتصاب عمومی فرهنگیان و دانش‌آموزان سراسر ایران در روزهای ۲۴ تا ۲۶ آذر، همراهی و پشتیبانی جنبش کارگری معلمان به عنوان بخش عظیمی از طبقه کارگر با پاسخی شکوهمند روبرو شد.

چهارشنبه ۲ آذر

بهمن دیزل قزوین الوند - اعتراض و اعتصاب کارگران بهمن دیزل قزوین الوند، کارگران شرکت «بهمن دیزل» قزوین از روز ۲ آذر، به کارگران اعتصابی مرتبط صنعت خودروسازی پیوستند. بهمن دیزل از شرکت‌های زیرمجموعه هلدینگ «گروه صنعتی



بهمن است. →

آتش نشانی مشهد - اعتصاب و اعتراض کارگران سازمان آتش نشانی مشهد،

مجتمع صنایع آلومینیم جنوب (سالکو) - اعتصاب کارگران مجتمع صنایع آلومینیم جنوب (سالکو) در لامرد در فارس،

مجتمع پتروشیمی - ادامه‌ی اعتصاب کاران قراردادی و شرکتی شاغل در مجتمع پتروشیمی همچنان ادامه دارد.

سوم آذرماه پنجشنبه

ماشین سازی قزوین - اعتصاب کارکنان شرکت ماشین سازی نیرو محرکه در قزوین.

قطعه‌سازی کروز - اعتصاب کارگران شرکت قطعه‌سازی کروز در تهران همچنان ادامه دارد. کارگران شرکت کروز در ادامه‌ی اعتصاب و اعتراض‌های دو روز گذشته، به اعتصاب و اعتراض ادامه دادند، و چرخ تولید سود و سرمایه را از چرخش بازداشتند. بیش از ۷۰ درصد کارگران این مجتمع را زنان تشکیل می‌دهند.

سوم آذرماه، فرودستان جنوب تهران - خیزشگران انقلابی در همبستگی با جنبش، در فلکه سوم تهرانپارس شعار می‌دهند: «این دیگه اعتراض نیست، صدای انقلابه»، «مهاباد، کردستان، چشم و چراغ ایران». پاخاسته‌گان شجاع نازی آباد با بستن خیابان‌ها و کوچه‌های نازی آباد تهران، برای چندمین برآمد و فوران‌های شبانه، سرکوبگران را فراری دادند.

پنجشنبه ۳ آذر

خیزشگران انقلابی، در فردیس کرج، شبانه و شجاعانه با راندن نیروهای سرکوب، پایگاه بسیج را در آتش خشم خود علیه نظام اسلامی سرمایه به آتش کشیدند.

جمعه ۴ آذر

شرکت زرنام هشتگرد - کارگران شرکت زرنام هشتگرد در استان البرز دست از کار کشیده و اعتصاب کردند.

دانش‌آموزان دختر و زحمتکشان روستای رامش - جمعه ۴ آذر روستای رامش از توابع شهرستان جرقویه علیا در استان اصفهان با بیش از چهارهزار تن جمعیت در ۱۷۰ کیلومتری اصفهان، در ۸۰ کیلومتری جنوب مرکز شهرستان شهرضا و ورزنی سمیرم، نمونه‌ای از دهها مورد خیزش تهی‌دستان روستایی در ایران و پیوستن به خیزش انقلابی است.

دختران دانش آموز این روستا، هنگام خروج از مدرسه، مقنعه اجباری از سر بر می‌دارند و با خروش زن، زندگی، آزادی و علیه حکومت اسلامی به خیابان آمدند سرکوبگران حمله کردند، برخی از دختران مجروح و دستگیر شدند، زحمتکشان روستا به پاخاستند، به خانه‌ی سردسته یکی از مزدوران هجوم بردند او را دستگیر کرده و از روستا بیرون می‌رانند، سپس کلانتری را به محاصره درآوردند، از مزدوران خواستند که دختران اسیر را آزاد کنند، فرمانده کلانتری به زبونی تسلیم طلبانه می‌گوید، هیچ بازداشتی در اختیار او نیست و می‌خواهد که برای اطمینان، کلانتری را بازرسی کند، یگان ویژه اصفهان را مسئول می‌شمارد. یگان ویژه اصفهان را سرانجام ناچار به آزادی تمامی دختران بازداشت شده می‌سازند. در پی این شکست و خواری، حکومت اسلامی روز ۵ آذر به بهانه‌ی هفته بسیج، در تلاش به تقویت روحیه درهم‌شکسته شده نیروهای سرکوب خود، بالاترین فرماندهان خود را به میدان آورد و بسیجیان درهم شکسته‌ی خود به سرکرد گیهایشمی پور فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین اصفهان، فاطمی فرمانده ناحیه بسیج جرقویه، ریاحی فرماندار جرقویه، اسماعیل زاده شهردار محمدآباد و شورای اسلامی شهر محمدآباد و مسئولین شهرستان جرقویه و ووو گرد آورد تا به سرود فرماندهی درمانده در قبرستان شهر محمدآباد .

شرکت صنعتی تولیدی مرتب - شنبه ۵ آذر کارگران این شرکت صنعتی، در اعتراض به عدم پرداخت ۹ ماه معوقات مزدی چندمین بار دست به اعتصاب زدند.

فولاد تکنیک (فولاد ابویی) در پی کشته شدن کارگران این شرکت، میثم اسماعیلی و داریوش عرب زاده و سوختگی جسمی ۷۰ درصدی موسی یزدان پرست در فولاد تکنیک (فولاد ابویی) در روز جمعه ۴ آذر در مجتمع فولاد بافق به علت نشت گاز و انفجار لوله گاز، کارگران جوشکار و تمامی ۴۰۰۰ کارگر خط های تولید و راننده در روز شنبه ۵ آذرماه دست از کار کشیدند.

شرکت ذوب آهن اصفهان - شنبه پنجم آذرماه کارگران شرکت ذوب آهن اصفهان، بار دیگر در ادامه خواست‌ها و اعتراض‌ها و اعتصاب‌های هفته گذشته، در شیفت صبح نشبه پنج آذر، تمامی بخش‌ها دست به اعتصاب زده و در محوطه شرکت راهپیمایی کردند. و با سر دادن شعار «کارگر داد بزن، حقت رو فریاد بزن» شعار حمایت، حمایت به اعتصاب‌های

کارگری پیوستند.

ذوب آهن اصفهان یک شرکت مادر به شمار آمده و با بیش از چهار هزار کارگر، تولیدکننده فولاد ساختمانی و ریل نیز می‌باشد.

شرکت سرما آفرین - شنبه ۵ آذرماه ۱۴۰۱ کارگران کارگران شرکت سرما آفرین شهر صنعتی البرز هم در الوند با دست کشیدن از کار، به اعتصابات سراسری پیوستند و در محوطه کارخانه دست به اعتراض زده و همایش کردند. این شرکت نزدیک به ۵۰ سال پیش برپا شده و به ساخت کولر، تهویه و... می‌پردازد و در دست حکومتیان است. بنا به گزارش سایت این شرکت، «برخی از پروژه های انجام شده در سالهای اخیر: عمده پروژه های مربوط به نیروی هوایی، دریایی، عمده پروژه های مربوط به نفت و گاز پتروشیمی، وزارت مسکن و شهرسازی (مجری طرحهای بیمارستانی، شیلات، صدا و سیما، مجلس شورای اسلامی، نهاد ریاست جمهوری، دانشگاهها و موسسات آموزش عالی سرمایه گذاری مسکن، مدیریت و طرح و اجرای خانه سازی، آستان قدس رضوی و ...»

سپیده قلیان - اداره کل زندان‌های استان بوشهر برای سپیده قلیان فعال کارگری زندانی از هفت تبه، در زندان اوین برای درهم شکستن این زن اسیر شجاع، پرونده جدیدی گشوده و به وسیله‌ی شعبه ۲ بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲۳ تهران به صورت تلفنی تفهیم اتهام شد. بر اساس ابلاغیه‌ای ۲۵ آبان‌ماه ۱۴۰۱، صادره از سوی شعبه ۲ بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲۳ تهران، سپیده قلیان متهم به نشر اکاذیب، توهین به مقدسات و مامورین و انتشار تهمت، افترا و الفاظ رکیک با نسبت‌های توهین آمیز شده است. سپیده، همچنان از دیدار با مادر و پدر و برادر محرم شده و به شدت زیر فشار و شکنجه قرار دارد.

کارگران ذوب آهن اصفهان

شنبه پنجم آذرماه ۱۴۰۱ کارگران شرکت ذوب آهن اصفهان شاغل در شیفت صبح تمامی بخش‌ها در اعتراض به عدم تحقق وعده‌های مدیران و کارگزاران سرمایه، بار دیگر دست به اعتصاب زده و در شرکت همایش کرده‌اند.

رانندگان کامیون در روزهای گذشته فراخوانی عمومی را برای آغاز اعتصابی ۱۰ روزه از پنجم آذر ماه منتشر کردند.

فراخوان شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

به مردم آزادیخواه ایران

کردستان از سنگرهای انقلاب است،

یکپارچه از سنگرهایمان دفاع کنیم!



و علیه فاصله انداختن و تقابل های کاذب بین بخش های مختلف مردم بایستیم و بر اتحاد و هم سرنوشتی و آزادی و برابری همگان تاکید کنیم. ضروری است اشکال مختلف مبارزه انقلابی، از اعتراض خیابانی تا اعتصاب عمومی را ترکیب کنیم و نیروی بیشتری بمیدان بیاوریم. اعتصاب در مدارس و دانشگاه ها و ادارات، اعتصاب در بازار و پاساژها، اعتصاب رانندگان بی آر تی و خطوط حمل و نقل، اعتصاب در شهرک های کارگری و کارخانجات، اعتراض انقلابی در خیابان و پس راندن حکومت را در مقیاس گسترده تر به هم پیوند بزنیم. در ده روز گذشته بیشتر شهرهای کردستان و بیش از هشت شهر ایران عملاً و عمدتاً در اعتصاب عمومی و نبرد خیابانی بودند و هم اکنون این وضعیت ادامه دارد.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست از مردم مبارز و زنان و مردان آزادیخواه در سراسر ایران می خواهد که همه جا یکپارچه و یکصدا علیه جنایتکاران رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، در حمایت از مبارزات انقلابی مردم کردستان بمیدان بیاییم. هرگوشه ایران سنگر مبارزه انقلابی است. کردستان از سنگرهای پیشرو انقلاب است، سنگرهایمان را حفظ کنیم! نذاریم رژیم جنایتکار اسلامی با توسل به حربه مقابله با تجزیه طلبی سرنوشت جنبش انقلابی در کردستان را از جنبش سراسری جدا کند و با به خون کشیدن آن زمینه را برای سرکوب جنبش سراسری فراهم آورد.

سرنگون باد

رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!

شورای همکاری نیروی چپ و کمونیست

۲ آذر ۱۴۰۱ - ۲۳ نوامبر ۲۰۲۲

امضاها: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

جمهوری اسلامی در بیش از صد و پنجاه شهر و صدها محل و منطقه شهرهای ایران دست به جنایت زده است. اما در سیستان و بلوچستان و مشخصاً در زاهدان و خاش و در کردستان و بویژه در شهرهای سنندج و مهاباد و جوانرود و پیرانشهر، دست به قتل عام زده است. شلیک با دوشکا و گلوله جنگی به مردمی که نهایتاً سنگ در دست دارند، هدف بسیار مشخصی دارد. جمهوری اسلامی تلاش میکند با تحمیل جنگ به مردم و میلیتاریزه تر کردن کردستان، سرنوشت مبارزه سیاسی و انقلابی در کردستان را از کل ایران جدا کند و با به خون کشیدن کردستان سیر مبارزات انقلابی در ایران را به شکست بکشاند. اما مردم آزادیخواه در سراسر ایران با اطلاق "چشم و چراغ انقلاب" به کردستان و حمایت های خود به رژیم اسلامی پاسخ دادند.

جمهوری اسلامی در کردستان دست به جنایت جنگی زده است، نیزار جراحی ماهشهر در آبان ۹۸ را در مهاباد و سنندج و پیرانشهر و جوانرود بازسازی کرده است و شهروندان عادی و معترض را به گلوله بسته است. رژیم اسلامی با لشکرکشی به کردستان به بهانه "مبارزه با تجزیه طلبان" حکومت نظامی برپا کرده است. ما میگوئیم باید قاطعانه این سیاست جمهوری اسلامی را بشکست بکشانیم. راه به شکست کشاندن این سیاست ارتجاعی و سرکوبگرانه، تقویت همبستگی و اتحاد انقلابی ای است که در سراسر کشور ایجاد شده و راه را بر هر سوء استفاده محدود بینانه و ناسیونالیستی و قومی و مذهبی بسته است. مردم کردستان هوشیارانه بر اتحاد و همسرنوشتی با جنبش انقلابی سراسری تاکید کرده اند.

فراخوان ما به کمیته‌ها، حلقه‌ها و شبکه‌های سازمان‌دهنده اعتراضات خیابانی در سراسر جامعه، به زنان و مردان آزادیخواه در سراسر کشور، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، کارگران و مردم زحمتکش این است که در تداوم مبارزه انقلابی برای سرنوشتی حکومت جنایتکار اسلامی، قویا در حمایت از مبارزات انقلابی در کردستان به میدان بیایم و نیروی اتحاد و همبستگی را تقویت کنیم. جنایت و قتل عام رژیم در کردستان را محکوم

کارگران کارخانه سیف‌خودرو
کارگران این شرکت تولیدی، با دست کشیدن از کار، اعتصاب کردند. کارگران سیف‌خودرو، پیش از این و از روز ۲۸ آبان، در اعتراض به ماه‌ها معوق ماندن و پرداخت نشدن دستمزد هایخود، دست از کار کشیده بودند. کارخانه لوازم خانگی پارس قزوین - کارگران کارخانه لوازم خانگی پارس قزوین با دست کشیدن از کار به موج اعتصاب‌ها پیوستند.

ویژگی این اعتصاب‌های کارگری

□-همزمانی، موازی بودگی و ابراز همبستگی با جنبش انقلابی توده‌ای،
□-در برگیری رشته‌های تولیدی-صنعتی و سنگین در قطب‌های صنعتی ایران،
□-همزمانی اعتصاب‌ها و پیام‌های همبستگی و پیوند آنها با دیگر بخش‌ها،
□-در برگیری توده‌های کارگری و نه تنها کارگران پیشرو،
□-شعارها،همایش و راهپیمایی تا خیابان، با لباس کار به‌سان پرچم طبقه‌کارگر.

اعتصاب‌های کارگری، در فرم‌های گوناگون به‌علاوه شکل‌های بالا، بلکه به صورت کم کاری،اعتصاب در محل کار، کندکاری، اخلال در تولید و روند تولید و چرخه‌های سرمایه، ذهنیت اعتصاب سراسری-طبقه‌ای را پرتوان تر و آماده‌تر می‌سازند. رشته اعتصاب‌های فراگیر، یکی در پی دیگری در راهند و موج‌گونه به هم می‌پیوندند. ندای پیوند خیزش خیابانی با اعتصاب سراسر کارگری، و اعتصاب و اعتراض اجتماعی، واقعیتی است که نوید بخش و ضامن پیروزی است.



دوب آهن
کارگران قطعه سازی کروز
۶ آذرماه-۲۷ نوامبر ۲۰۲۲

ضرورت کمک مالی، حمایت پزشکی و دارویی در سراسر جامعه، بویژه در بلوچستان و کردستان!

همراه با گسترش جنبش انقلابی، جمهوری اسلامی شهرهای مختلف ایران را بویژه در بلوچستان و کردستان به خاک و خون کشیده است. خانه‌های مردم ویران شده و بسیاری از ساکنین آن از امکانات حداقل زندگی عادی محروم شده‌اند. مزدوران رژیم، زخمی‌ها را از بیمارستانها و مراکز درمانی می‌ربایند و یا مانع درمان آنها می‌شوند و عملاً آنها را به قتل می‌رسانند. علاوه بر این، بسیاری از فعالین جنبش که هزینه زندگی خانواده خود را تامین می‌کنند، هم اکنون در زندان‌ها هستند.

انسان‌های شریف و آزادیخواه! از هر امکانی که می‌شناسید و یا از طریق رابطین معتبر، کمک‌های مالی خود را به فعالین و آسیب دیدگان جنبش انقلابی برسانید. از مراکز خدمات پزشکی در سراسر جامعه و مراکز معتبر و جهانی خارج از کشور بخواهیم که امکانات دارویی و خدمات پزشکی را در اختیار زخمی‌شدگان و آسیب دیدگان قرار دهند

کارکنان انسان دوست خدمات درمانی و پزشکی! شما همواره در شرایط سخت و دشوار در کنار مردم و حامی جنبش‌های پیشرو و انقلابی بوده‌اید. تاریخ جنبش‌های معاصر شاهد حمایت بی‌دریغ بسیاری از پزشکان و پرستاران و کارکنان خدمات درمانی بوده که برای همراهی با افراد و سعادت جامعه به جنبش‌ها کمک کرده‌اند. بسیاری از آنها نیز در این راه جان باخته‌اند. اکنون بسیاری از زخمی‌ها و آسیب دیدگان دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی به کمک شما احتیاج دارند. از هر طریق که می‌توانید به آنها کمک کنید.

همبستگی همه جانبه و در همه عرصه‌ها، کلید پیشروی جنبش و دستیابی به اهداف انقلابی آن و سرنگونی جمهوری اسلامی است.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست
امضاها: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت
۸ آذر ۱۴۰۱، ۲۹، ۲۰، ۲۲، ۲۹، ۱۱



از اعتصابات رانندگان
و کامیون داران
حمایت کنیم!
زنده باد
اعتصابات کارگری!

خیزش انقلابی مردم ایران علیه رژیم جهل و جنایت جمهوری اسلامی وارد سومین ماه خود شده است. علیرغم سرکوبهای فاشیستی بیرحمانه و جان باختن بیش از ۴۵۰ نفر و دهها هزار دستگیری، این خیزش انقلابی همچنان به اشکال مختلف ادامه دارد و بویژه در هفته‌های اخیر با گسترش اعتصابات روبرو بوده ایم. از جمله شاهد اعتصاب کامیون داران از روز شنبه ۵ آذر هستیم که تا کنون در بیش از ده شهر و منطقه از جمله بندر عباس، کاشان، قزوین، شاهپور اصفهان، مرند، شیراز، خرم‌آباد، مرز بشماق مریوان، کرمانشاه و جاده بومهن تهران صورت گرفته است. خواسته‌های کامیون داران در رابطه با سهمیه سوخت، کرایه حمل بار و حمایت از همکارانشان می‌باشد و علیرغم وعده وعید های دولت همچنان ادامه دارد. این اعتصاب در تداوم خود میتواند با اختلال در حمل و نقل مواد اولیه، سوخت و سایر وسایل مورد لزوم واحدهای صنعتی، بخشهای کلیدی و صنایع وابسته به آن را به چالش کشیده و رژیم را زمین گیر کند.

در برآمد اعتصابات کارگری در هفته‌های اخیر همچنین شاهد اعتصابات در بسیاری از مراکز صنعتی نیز هستیم از جمله: ذوب آهن اصفهان، مجتمع آلومینیوم جنوب، بهمن موتور، بهمن دیزل قزوین، آب معدنی داماش، پارس آپول ساوه، داروگر تهران، شرکت برونز، زیر مجموعه ایران خودرو، آتش نشانی مشهد، سیتی سنتر اصفهان، رانندگان و کارگران باربری های نسیم شه، مجتمع فولاد بافق، تولیدی مرتب، شرکت سرما آفرین، لوازم خانگی پارس، مخابرات استان آذربایجان شرقی، گندله سازی مادکوش بندرعباس و... این لیست همچنان ادامه دارد. در جریان اعتصاب کارگران کارخانه قطعه سازی کروز که از مهم ترین کارخانه های تولیدی و عمده ترین تهیه کننده قطعات برای خودرو سازی کشور به حساب می آید شاهد حضور با قدرت زنان کارگر که بیش از ۷۰ درصد نیروی کار این شرکت را تشکیل میدهند بوده ایم.

تحت تاثیر خیزش انقلابی و فضای سیاسی حاکم بر جامعه مبارزه کارگران میتواند به مبارزه سیاسی قدرت ببخشد. بدون شک با به میدان آمدن طبقه کارگر و رشد و گسترش اعتصابات کارگری در همه بخشهای صنعتی، خدماتی و اداری، نه فقط جنبش عمومی سراسری نیرو و انرژی تازه ای مییابد، بلکه در دل این اعتصابات است که طبقه کارگر میتواند با ایجاد شوراها و کمیته های اعتصاب، به سازماندهی خود پرداخته و در همگرایی، همکاری و هم یاری با سایر تشکل ها و شوراهای محلات به پیشروی و تداوم جنبش انقلابیاری رسانده و سرنگونی انقلابی رژیمرا چهره سریعتر رقم بزند.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی؛ زنده باد سوسیالیسم

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست
سه شنبه ۸ آذر، ۲۹ نوامبر ۲۰۲۲

امضا: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

در جریان مبارزه انقلابی به دشمن کم بها ندهیم!

خون یاران، ایستاده ایم تا پایان“ وفادار مانده اند و خیابان را ترک نکرده اند. اینها صحنه های غرور آفرین جنبش انقلابی هستند. به دنبال آن معلمان با فراخوان برای اعتصاب عمومی دو روزه در اعتراض به جنایات رژیم و کشته شدن دانش آموزان، عمیقترین همبستگی خود را با خانواده جانباختگان و این جنبش انقلابی اعلام داشتند.

طی دو هفته گذشته رژیم با بسیج و اعزام نیروهای ویژه سپاه پاسداران و بکارگیری انواع اسلحه و مهمات، حکومت نظامی اعلام نشده ای در کردستان برقرار کرده و شهرهای کردستان را به میدان جنگی تمام عیار تبدیل کرده است. توده های خشمگین مردم مبارز مهاباد و جوانرود با دست خالی در مقابل یورش وحشیانه جمهوری اسلامی سنگر بندی کردند و به دفاع از خود پرداختند. طی این دو هفته بیش از ۵۰ نفر با شلیک مستقیم نیروهای مزدور رژیم کشته، صدها نفر زخمی و صدها نفر دیگر را نیز دستگیر و روانه زندان شدند. اما حملات نظامی رژیم تا دندان مسلح، نه تنها در مهاباد و جوانرود، بلکه در همه شهرهای کردستان با مقاومت شجاعانه زنان و مردان آزادیخواه و مبارز روبرو شده است. فعالین و رهبران و سازماندهندگان اعتراضات در داخل برای خنثی کردن توطئه و نقشه تفرقه افکنانه حکومت اسلامی در ایجاد دشمنی میان مردم با هشیاری و درایت عمل کرده و همبستگی مبارزاتی جنبش انقلابی کردستان با جنبش سراسری را نشان داده اند. زیرا می دانند رمز پیروزی و موفقیت جنبش کردستان، در تقویت و تداوم همبستگی با جنبش سراسری در ایران است.

اکنون لازم و ضروری است که مردم در سراسر ایران علیه میلیتاریسم، کشتار و حاکم کردن فضای جنگی در کردستان در ابعاد گسترده به خیابانها بیایند؛ با اعتصابات کارگران در بخشهای تولید و خدمات، اعتصاب و اعتراض در دانشگاهها و مدارس و بازار و ادارات حمایت و همبستگی خود با کردستان را به رژیم هار اسلامی نشان دهند. به این ترتیب می توان چنان توازن قوایی را به رژیم تحمیل کرد که رژیم اسلامی نه تنها کردستان و یا سیستان و بلوچستان، بلکه در هیچ نقطه دیگر ایران توان این را نداشته باشد دست به کشتار بزند و نبردهای زودرس را به جبهه نیروهای انقلابی تحمیل کند. ■

بدون تردید ما وارد یک پروسه انقلابی شده ایم که لازم است قواعد و قانونمندی فعالیت در این دوره را بشناسیم. باید بدانیم که چگونه خود را در محیط کار و زیست سازمان دهیم. باید بدانیم چگونه بر متن پیشروی های جنبش کارگری، شوراهای کارگران را در کارخانه ها و مراکز تولید ایجاد کنیم. چگونه اعتصاب سیاسی عمومی و سراسری را تدارک ببینیم. باید بدانیم چگونه تاکتیک ها و شگردهای رژیم را خنثی



کنیم. باید یاد بگیریم که کاری ترین ضربات را در کدام ناحیه میتوانیم با کمترین هزینه به نیروهای دشمن وارد آوریم. این درست است که پیشروی انقلاب به اراده، به شجاعت، به آگاهی و مصمم بودن ما بستگی دارد، ولی همه این مؤلفه ها چنانچه توده های مردم در مقیاس میلیونی همدلی و حمایت خود را به نیروی مادی در خیابان و کارخانه تبدیل نکنند، در آنصورت پیشروی انقلاب با هزینه های سنگین روبرو خواهد شد. زمانی که به خیزش جاری نگاه میکنیم، زمانیکه آنرا با خیزشهای دی ماه نود و شش و آبان نود و هشت مقایسه میکنیم، میبینیم که چه گام های بزرگی برداشته ایم. اکنون دیگر ایجاد شوراها و کمیته های محلات به مشغله جوانان و زنان و مردان شجاعی تبدیل شده است که در طی بیش از دو ماه گذشته سازماندهی و هدایت اعتراض های خیابانی و مقابله با نیروی سرکوبگر دشمن را بر عهده داشته اند. اینان در دل مقابله با توحش و سرکوبگری رژیم شبکه های به هم مرتبط جوانان انقلابی را گسترش داده و نطفه های ایجاد کمیته ها و شوراهای محلات را شکل داده اند. آنان یاد گرفته اند که چگونه با تاکتیک های مناسب اینجا و آنجا نیروهای سرکوبگر را به عقب برانند. آنان در تجربه مبارزاتی خود مطالبات و شعارهای خود را صیقل داده اند. هنر مقاومت و ایستادگی و هنر انقلابی خلق کرده اند.

در سالگرد خیزش آبان ۹۸ رزمندگان کف خیابان با تداوم رزم خود نشان دادند که همچنان به شعاری که داده بودند: ”قسم به

حدود دو ماه و نیم از آغاز خیزش انقلابی جاری می گذرد. در این مدت چهار گوشه کشور میدان اعتراض و رودروئی مردم با تعرض نیروهای سرکوبگر بود. تجربه این دوره یکبار دیگر نشان داد که ما در مقابل یک دشمن بیرحم و خونخوار ایستاده ایم که آماده است برای حفظ نظامش، برای حفظ منافع طبقاتی سرمایه دار و برای بقای خود در حکومت، حمام خون به راه بیندازد. رژیمی که حتی از کشتن کودکان نیز خودداری نمیکند، رژیمی که به نیروهای سرکوبگرش فرمان شلیک به شهروندان معترضی می دهد که تنها سلاحشان فریادی است که از گلویشان خارج می شود. رژیمی که زخمی ها را از بیمارستانها بیرون کشیده و به شکنجه گاه میفرستد. رژیمی که مرزهای سرکوب روتین را پشت سر گذاشته و به کشتار معترضان می پردازد.

سران رژیم در این تصور نبودند که با قتل دولتی ژینا جرقه جنبشی را بزنند که بیش از دوماه است سرتاسر جامعه را فرا گرفته و به چیزی کمتر از سرنگونی این رژیم تن نمی دهد. جنبشی انقلابی که شیپور مرگ رژیم را به صدا در آورده است. رژیم برای حفظ و بقای خودش از هیچ جنایتی دریغ نمی کند. از جانب دیگر توده های بیباخته مردم حاضر نیستند در برابر این موج سرکوب به بقای رژیم تمکین کنند. کارگران، زنان، معلمان، بازنشستگان، جوانان، دانشجویان و دانش آموزان، نویسندگان و هنرمندان همه و همه بیش از دوماه است که حماسه های فراموش نشدنی آفریده اند. جامعه نه تنها از شور و شوق جوانان و از مقاومت شجاعانه زنان احساس غرور میکند، بلکه میبیند از خون تهیدستان شهری که در آبان نود و هشت بر سنگ فرش خیابان ریخته شد، خیزشی روئیده است که چشم جهانیان را شگفت زده کرده است. با این وجود نباید فراموش کنیم که ما هنوز سنگرهای زیادی را باید تسخیر کنیم تا وارد نبرد نهائی شویم. برای وارد شدن به نبرد نهایی و پیروزی بر دشمن باید ملزومات آن را فراهم آورد. در جریان این نبرد طولانی که در پیش داریم باید همه نیرو و ابتکارات خود را بکار اندازیم که ارتش میلیونی توده های مردم ناراضی از وضع موجود را به میدان مبارزه بکشانیم. هر گام پیشروی ما در به میدان آوردن توده ها جهت پیوستن به خیزش انقلابی، توازن نیرو را به زیان دشمن تغییر خواهد داد.

جهان امروز

نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یک بار منتشر می شود!

زیر نظر هیئت تحریریه

سردبیر: هلمت احمدیان

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

ha@cpiran.org

- * جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می کند.
- * استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.
- * مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.
- * جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می رسد.
- * مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه آ ۴ با سایز ۱۲ است.



۲۵ نوامبر روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان

اگر قتل فجیع خواهران میرابل در سال ۱۹۶۰ در جمهوری دومینیکن به فرمان "رافائل تراخیلو" دیکتاتور و مبارزه علیه این قتل دولتی انگیزه ای شد که بشریت متوجه ابعاد خشونت عریان علیه زنان در این گوشه از جهان گردد، اکنون و در سال ۲۰۲۲ قتل های دولتی ژینا، نیکا، حدیث، سارینا، کیان و فایزه ها و فوران خشم و اعتراض طوفنده زنان و مردان آزادیخواه ایران علیه این جنایات و بازتاب جهانی آن، بشریت را متوجه گوشه ای از این حقیقت کرده است که در بیش از چهار دهه گذشته حکومت اسلامی سرمایه داران چه جنایاتی را علیه زنان اعمال کرده و چگونه زن ستیزی و خشونت سیستماتیک علیه زنان یکی از پایه های حاکمیت این رژیم را شکل داده است.

اگر در سال ۱۹۸۱ زنان آمریکای لاتین در ادامه مبارزات خود علیه خشونت و برای رهایی از اسارت و ستمکشی روز ۲۵ نوامبر را "روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان" اعلام کردند، اکنون در ایران گوشه ای دیگر از این جهان زنان با شجاعتی بی نظیر به میدان آمده اند تا به عمر یکی از هارترین حکومت های سرمایه داری مذهبی و زن ستیز جهان معاصر پایان دهند. ضدیت رژیم اسلامی با حقوق پایه ای زنان، هویت انسانی آنان را چنان لگد مال کرده است، که اعتراض و شورش و طغیان زنان علیه این بی حقوقی ها را به یکی از ارکان اساسی مبارزه توده های مردم در راه انقلاب و برای خلاصی از شر جمهوری اسلامی تبدیل کرده است. این زنان با شجاعتی بی نظیر پرچمدار و پیشتاز جنبشی انقلابی شده اند که جهانیان را حیرت زده کرده است.

روز ۲۵ نوامبر روز همبستگی جهانی زنان و مردان آزادیخواه علیه خشونتهای جنسی و جنسیتی را، به روز تجدید پیمان در مبارزه برای به عقب راندن مذهب از دخالت در حیات اجتماعی زنان، به مبارزه علیه نظام مردسالار سرمایه داری و تلاش هر چه گسترده تر برای به میدان آوردن توده میلیونی زنان کارگر و زحمتکش علیه ستمکشی و برای رهایی تبدیل کنیم.

تماس با
کمیته تشکیلات دلال کشور
حزب کمونیست ایران

hvefaalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

009647710286193

0046760854015

004799895674

00436601195907

تماس با کمیته تشکیلات
دلال کومه له (تکشن)

takesh.komalah@gmail.com

